

هیچ تحریمی نمی‌تواند اقتصاد ایران را زمین‌گیر کند



هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۲۴۷ | دوشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۵ | ۱۲ صفر ۱۴۴۸ | ۲۷ جولای ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی

مصطفی قربانی



نکاه

فراتر از تصور دشمن!

رضا صارمی‌راد



نکاه

بازگشت به میز مذاکره؟

نوید کمالی



راهبرد

فصل جدید پیمان ابراهیم



قدرت ایمان هرگز شکست نمی‌خورد

مبدأ کربلا مقصد قدس



رامین نصیری
کارشناس سیاسی

زمستان سال ۱۳۵۵، دو سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رژیم بعث عراق به سرکردگی صدام، تصمیم گرفت صدای شور حسینی را به خاموشی بکشاند. تفتیش‌های سنگین، ممنوعیت نمادهای عزاداری و فشار بر مباحثان من جمله اقداماتی بود که رژیم بعث صدام حسین برای بازداشتن شیعیان از حضور در راهپیمایی اربعین حسینی انجام داد.

اما در میان این خفقان مطلق، هدایت مرجعیت بزرگ، آیت‌الله سید محمدباقر صدر خشم مردم را در یک نقطه کانونی به نام اربعین حسینی متمرکز کرد. ساعت ۱۱ صبح پانزدهم بهمن‌ماه، ۳۰ هزار نفر از حرم

امیرالمؤمنین (ع) به راه افتادند؛ قیامی که به انتفاضه صفر یا انتفاضه اربعین معروف شد.

در همین حال صدام تیپ زرهی و هواپیماهای میگ خود را برای جلوگیری از این حرکت گسیل کرد. ده‌ها نفر به خاک و خون کشیده شدند و علمایی چون آیت‌الله سید محمدباقر حکیم به زندان ابو‌غریب افتادند. اما در نجف، امام خمینی (ره) با فرستادن فرزند خویش، حاج آقا مصطفی، مهر تأییدی بر این حرکت تاریخی زد.

استاندار نجف، جاسم الرکابی، سبیلش را گرو گذاشته بود تا این شور حسینی را آرام کند، اما پیروزی خون بر شمشیر، حساب رژیم بعث را برهم زد. بعضی‌ها مسیر را مسدود کردند، اما نتوانستند ریشه این قیام را خشک کنند. از این باب سقوط صدام حسین در سال ۱۳۸۲، پایان یک انفصال اجباری بود. مردم عراق و ایران، از زیر سایه بالگردهای آمریکایی و از میان ادوات منهدم‌شده نظامی عبور کردند. اما چه کسی این حرکت را به مظهر

قدرت امت اسلامی تبدیل کرد؟

قائد شهید امت در همین زمینه طی بیاناتی فرموده‌اند: در اربعین حسینی میلیون‌ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمانان - البته مخصوص شیعه نبود، سنی‌ها هم بودند - که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند... این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت به خیال خود مسدود کرده بودند... راه‌پیمایی اربعین قوت اسلام است، قوت حقیقت است، قوت جبهه‌ی مقاومت اسلامی است که این جور اجتماع عظیم میلیونی راه می‌افتد به سمت کربلا، به سمت حسین، به سمت قلّه و اوج افتخار فداکاری و شهادت که همه‌ی آزادگان عالم باید از او درس بگیرند.

قائد شهید امت کسی که از اربعین حسینی، قدرت نرم جدیدی را برای جهان اسلام و محور مقاومت ایجاد کرد، سرانجام همان‌گونه که آرزو داشت، به

کاروان عاشوراییان پیوست. شهادتی سرخ، مظلومانه و حماسی در اوج اقتدار، که یادآور روز عاشورا و گودال قتلگاه بود. دشمنان می‌پنداشتند با شهادت رهبر مقاومت، این جریان متوقف می‌شود؛ اما خون شهید امت، روح جدیدی به جبهه مقاومت دمید.

راهی که با خون سیدالشهدا آغاز شد و با خون رهروانش آیساری گردید و ماحصل آن امروز قدرت بلامناع جهانی محور مقاومت و ایران اسلام‌یست. قدرتی که زائران امروزش در کربلا و نجف، فاتحان فردای قدس اشغالی خواهند بود.

ان شاءالله چرا که طبق مکتب رهبر شهید امت ما هنوز در راه کربلا و عاشورا داریم حرکت می‌کنیم. ملت ما هنوز باید احساس کنند که در میدان و در صحنه‌ی نینوا و کربلا حضور دارند. این درک و مختصات است که ملت بزرگی به مانند ایران را ملت سرافراز، سلحشور و بزرگ و تاریخ ساز می‌کند.

نیم نگاه

بازگشت به میز مذاکره؟



رضا صارمی‌راد

کارشناس مسائل بین‌الملل

بامداد شنبه پس از سیزده شب متوالی بمباران، ارتش آمریکا از اعلام حمله تازه به ایران خودداری کرد و این سکوت نظامی تداوم یافته است. یک مقام وزارت جنگ آمریکا به شبکه «سی‌ان‌ان» گفته عملیات نظامی علیه ایران متوقف شده است، ایران نیز از توقف حملات تلافی جویانه خود علیه پایگاه‌های منطقه‌ای واشنگتن خبر داده است. نخستین و شاید مهم‌ترین دلیل این وقفه، بازگشایی مسیر دیپلماتیک است. معاونان وزرای خارجه ایران و عمان در تهران درباره تضمین عبور ایمن کشتی‌ها از تنگه هرمز رایزنی کرده‌اند و سخنگوی وزارت خارجه ایران این گفت‌وگوها را سازنده توصیف کرده است. همزمان دو منبع منطقه‌ای گفته‌اند مذاکرات میان عمان و ایران در مسیری مثبت پیش می‌رود و توقف بمباران آمریکا عمداً همزمان با این دیدارهای حضوری صورت گرفته است تا به مسیر دیپلماسی آسیبی نرسد. محور مذاکرات موردبحث نیز کاهش محدودیت بر تردد کشتی‌ها با نظارت ایران است. «مایک والتز» نماینده آمریکا در سازمان ملل نیز گفته است ترامپ به مذاکرات کمی فضا داده، هرچند گزینه نظامی همچنان روی میز باقی مانده است. دلیل دیگری که می‌توان برای این آتش‌بس موقت در نظر گرفت، نگرانی از کاهش ذخایر نظامی آمریکاست. به نظر می‌رسد، ترامپ برنامه تشدید حملات را به دلیل نگرانی از کاهش ذخایر سامانه‌های رهگیری دفاع هوایی متوقف کرده است. به گزارش سی‌ان‌ان، در نشستی در کاخ سفید، معاون رئیس‌جمهور «جی‌دی ونس» و «ژنرال دن کین»، رئیس ستاد مشترک ارتش، هر دو درباره پیامدهای گسترش جنگ هشدار دادند. بر اساس برآورد مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، تازمان برقراری آتش‌بس موقت آوریل، پنتاگون دست‌کم نیمی از رهگیرهای پاتریوت تاد، نزدیک به نیمی از رهگیرهای پاتریوت خود را مصرف کرده و بازسازی این ذخایر به گفته این مرکز دست‌کم سه سال زمان می‌برد. عامل دیگری که می‌توان برای این کاهش تنش برشمرد، مسئله اقتصادی است. قیمت نفت خام برنت که به دلیل ناامنی تنگه هرمز و تهدید انصارالله علیه کشتی‌های سعودی در باب‌المندب تا آستانه صد دلار بالا رفته بود، پس از این وقفه حدود چهار درصد افت کرد. ترامپ اگرچه علناً نگرانی از افزایش قیمت بنزین پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر را کم‌اهمیت جلوه داده، اما این موضوع در پس‌زمینه تصمیم‌گیری‌های کاخ سفید قطعاً مطرح بوده است. نکته دیگر خطر گسترش جنگ به جبهه‌های تازه بود، دولت یمن در پاسخ به حمله تجاوزکارانه سعودی تأسیسات آرامکوی عربستان را هدف قرار داد. با توجه به سابقه فروپاشی آتش‌بس‌های پیشین در این جنگ، از جمله توافق قبلی که به امضای دو رئیس‌جمهور رسیده بود، ناظران هنوز محتاطانه سخن می‌گویند. دیدار قریب‌الوقوع بنیامین نتانیاهو با ترامپ در واشنگتن، لایه دیگری از ابهام در مورد آینده این آرامش شکننده را نشان می‌دهد؛ آرامشی که هنوز معلوم نیست نقطه عطفی واقعی در این جنگ پنج ماهه باشد یا صرفاً وقفه‌ای دیگر در چرخه‌ای از تشدید و کاهش تنش است.

بازخوانی صبح صادق از دلایل درماندگی آمریکا در برابر ایران

فرا‌تر از تصور دشمن!

این در حالی بود که همان تفاهم‌نامه تصریح داشت تنگه هرمز تحت مدیریت ایران باقی می‌ماند و به شرط اجرای تعهدهای هفت‌گانه آمریکا در قبال ایران، تنها به‌مدت ۶۰ روز، ایران بدون اخذ هزینه خدمات، اجازه عبور و مرور از تنگه هرمز را خواهد داد. این در حالی است که آمریکا بدون عمل به تعهداتش در تفاهم‌نامه، توقع داشت که ایران تنگه هرمز را باز کند که با واکنش قاطع ایران در بستن تنگه هرمز مواجه شد و در نهایت، دور جدیدی از جنگ با حمله آمریکا به ایران آغاز شد. این جنگ تاکنون اگرچه موجب تخریب برخی زیرساخت‌ها در ایران شده، در مقابل نیز ضربات کوبنده و مؤثر ایران علیه پایگاه‌ها و دارایی‌های نظامی آمریکا در منطقه را در پی داشته است. با وجود این، واقعیت آن است که آمریکا همچنان در برابر ایران احساس درماندگی دارد، به‌گونه‌ای که «ونس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا، پس از امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد به صراحت گفت نمی‌خواهیم درگیر جنگی فرسایشی شویم که دیگران قبلاً درباره آن هشدار داده‌اند. با توجه به آنچه گفته شد، مهم‌ترین دلایل

درماندگی آمریکا در برابر ایران عبارت است از:

۱- نادیده گرفتن نقش متغیرهای نهفته‌ای، چون ارزش‌های والای اسلامی ایران، فرهنگ مقاومت، همبستگی ملی ایرانیان و... مبتنی بر این متغیرها، ایرانیان همواره ترجیح می‌دهند که در برابر دشمن مقاومت کنند

۲- نادیده گرفتن تحول در فناوری دفاعی که به‌واسطه آن ایران توانسته است به لحاظ کیفی فاصله خود با قدرت‌های بزرگ را جبران کند و با تجهیزات فناوری پایه خود پایگاه‌های آمریکا در منطقه را در هم بکوبد. به بیان دیگر، آمریکا تصور می‌کرد با کشتوری ناتوان و عقب‌افتاده سر و کار دارد که باید به‌سرعت در مقابل آمریکا تسلیم شود. این در حالی است که ایران با گذر از آستانه وابستگی در حوزه دفاعی، اکنون در حوزه دفاعی در مقام یک ابرقدرت کنش‌گری می‌کند.

۳- الگوی نبرد نامتقارن ایران که با وجود ضربات آمریکا، ضریب تاب‌آوری و ماندگاری ایران را ارتقا داده و تضمین کرده است. گفتنی است، آمریکا با الگوی نبرد

صبح صادق بررسی می‌کند؛ تناقض حقایق جنگ و وعده‌های رئیس‌جمهور آمریکا

خواند.

«گری پیتزر» سناتور دموکرات میشیگان دیگر منتقدی بود که درخواست بودجه برای تداوم جنگ را زیر سؤال برد. پیترز در مخالفت با تخصیص بودجه ۷۰ میلیارد دلاری به «پنتاگون» گفت: «با وجود شکست شما غیر

ممکن است چنین بودجه‌ای داده شود».

بر اساس گزارش‌های منتشر شده از جلسه استماع، جنگ آمریکا تا قبل از این جلسه ۳۷/۵ میلیارد دلار هزینه به مردم ایالات متحده تحمیل کرد؛ به عبارتی این هزینه از جیب مالیات‌دهندگان آمریکایی تأمین شد تا به آزمون رویاهای ترامپ و نتانیاهو اختصاص یافته و دود شود.

♦ تبدیل وعده ترامپ به آرزو

در پی جنگ با ایران و بسته شدن تنگه هرمز، دیگر وعده ترامپ مبنی بر کاهش قیمت بنزین در دوران ریاست‌جمهوری وی نیز به رویا تبدیل شد.

پس از پیروزی در انتخابات، ترامپ وعده داد که قیمت هر گالن بنزین به ۲/۵۰ دلار کاهش می‌یابد؛ اما با شروع ماجراجویی علیه ایران و انسداد تنگه هرمز، قیمت هر گالن بنزین به ۴/۸ دلار رسید.

با مرور این وقایع، به نظر می‌رسد سیاست‌های ترامپ قابل دفاع و منطبق با منافع جامعه آمریکا نیست، بلکه خسران و ضرر مردم این کشور را دنبال می‌کند. از طرفی برخلاف وعده‌های انتخاباتی پیامدهای اقتصادی و مالی بیش از پیش گریبان‌گیر مردم آمریکاست؛ شاخص محبوبیت و هواداری ترامپ و حزب جمهوری‌خواه نیز در پی اقدامات غیرقابل توجیه این رئیس‌جمهور به شدت شیب نزولی گرفته و نظر سنجی‌های موجود از سقوط اعتبار وی حکایت دارد؛ لذا ترامپ علیه مردم آمریکا و بر خلاف وعده‌های خود عمل می‌کند.

فضای رسانه‌ها و تبلیغات طرفداران ترامپ این وعده را مخابه می‌کرد که «شرط خاتمه جنگ در جبهه غزه و اوکراین، ورود ترامپ به کاخ سفید است»؛ روزها از پی هم‌گذشت و ترامپ برای دومین بار پس از ۴ سال دوری از کاخ سفید، بار دیگر بر اریکه قدرت تکیه زد؛ اما چندماه از پیروزی ترامپ نگذشته بود که خبرگزاری «رویترز» از تأمین مالی و ارسال تسلیحات به اوکراین خبر داد؛ کمک‌ها روز به روز افزون‌تر شد تا جایی که ترامپ برای افزایش تأمین مالی زلنسکی با ناتو رایزنی و از اعتبار خود خرج کرد.

برخلاف وعده‌های رئیس‌جمهور، پس از پیروزی وی در انتخابات جنگ در جبهه اوکراین تمام نشد؛ بلکه شدت یافت؛ همین وضعیت در جبهه غزه نیز رخ داد.

«گیدنون لوی» ستون‌نویس روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» در تاریخ ۳۱ آگوست ۲۰۲۵ چند ماه پس از پیروزی ترامپ با انتقاد از عملکرد وی، نوشت: «ترامپ درحالی که وعده پایان جنگ با یک تماس را داده بود، هنوز به تأمین مالی، تسلیحاتی و پشتیبانی از نتانیاهو مشغول است».

♦ هزینه از جیب مالیات‌دهندگان

ترامپ در کنار جبهه غزه و اوکراین، جبهه جدیدی گشود و با ماجراجویی در ایران بار مالی بسیاری به مالیات‌دهندگان آمریکا تحمیل کرد. این مسئله در حالی رخ داد که در ایام انتخابات رونق اقتصادی از شعارهای او بود و تأمین هزینه جنگ مانعی جدی برای تحقق این وعده به حساب می‌آمد.

روزنامه بریتانیایی «گاردین» در تاریخ ۲۲ جولای ۲۰۲۶ مصادف با ۳۱ تیر ۱۴۰۵ طی گزارشی تحلیلی سیاست‌های ترامپ درباره ایران را تشریح کرد و نوشت: «جنگ ترامپ با ایران بسیار پر هزینه و نزد مردم نامحبوب است،

خامنه‌ای و شریعتی-۱

برشی از زندگینامه و خاطرات رهبر شهید انقلاب اسلامی- ۱۶

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ



شاید یکی از شهرت‌ترین روشنفکران دینی که در دهه ۱۳۴۰-۱۳۵۰ بیشترین ارتباط را با آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای داشت، مرحوم «دکتر علی شریعتی» باشد. هر دو اهل مشهد بودند و آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای از سالیان دور استاد محمدتقی شریعتی را می‌شناخت و همین شناخت با پدر واسطه آشنایی با پسر شد؛ به‌ویژه پس از آنکه شریعتی با مدرک دکتر از دانشگاه سوربون فرانسه در سال ۱۳۴۳ به ایران بازگشت و به تدریس در مدارس و در نهایت دانشگاه فردوسی مشهد مشغول شد. از سال ۱۳۴۷ بود که بنا به دعوت استاد مطهری برای سخنرانی در حسینیه ارشاد، پای شریعتی به محافل مذهبی-روشنفکر تهران به طور جدی باز شد و سخنرانی‌های او با استقبال جوانان و دانشجویان مواجه شد، هر چند این جلسات بیش از چهار سال ادامه نیافت و ساواک در سال ۱۳۵۱ آن را تعطیل کرد! آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در معرفی شریعتی می‌گویند: «دکتر شریعتی نیز زندگی اسلامی خود را در میدان مقاومت آغاز کرد و سپس به روشنگری و آگاهی‌بخشی روی آورد.»

بین دکتر شریعتی و آقای خامنه‌ای مقارنت‌های قابل ملاحظه‌ای می‌توان یافت که در برخی از خاطرات به آن اشاره شده است. برای نمونه، «سیدمحمد صدر» در خاطراتش نقل می‌کند: «در یکی از همین جلسات، وقتی دکتر صحبتش تمام شد، گفت: حالا (به قول معروف) من تریبون را در اختیار یک شخصیت بزرگ (با تجلیل فراوان) قرار می‌دهم. همه تصور کردند الان آقای مطهری سخن خواهد گفت، اما دیدیم که آقای خامنه‌ای شروع به صحبت کرد و مشخص بود که این دو بزرگوار، بیشتر به هم نزدیکند، تا آقای مطهری و دکتر شریعتی.»

تعاملات آیت‌الله خامنه‌ای و آقای شریعتی در

فرصت‌ها و به بهانه‌های گوناگونی صورت می‌گرفت و حاصل مباحث علمی نیز در جهت‌گیری مبارزات فکری-سیاسی آن روزگار اثرگذار بود. یکی از این دیدارها در ۱۰ دی ۱۳۵۵ و همزمان با تاسوعای حسینی در منزل یکی از تجار و بازرگانان متدین تهران- حاج عباس تحریریان- صورت گرفته که در آن جلسه تعدادی از چهره‌های مذهبی و انقلابی دعوت بودند تا در روز تاسوعای ۱۳۹۷ هجری قمری، جلسه‌ای برای زنده نگه‌داشتن یاد قیام سیدالشهداء(ع) برپا کنند. در این جلسه استاد مطهری، آقای خامنه‌ای، دکتر شریعتی و دکتر مفتاح به منظور صرف ناهار به منزل عباس تحریریان دعوت شده بودند. نشست چنین شخصیت‌هایی در ظهر تاسوعای حسینی برای دستگاه پهلوی و ساواک حساسیت ایجاد کرده بود. همین هم موجب شده که نسبت به خبرگیری از این جلسه حساس باشد و در انتها هم به این نتیجه برسد که این قبیل جلسات باید تحت نظر باشند؛ چرا که مورد توجه قشر

روشنفکر و دانشگاهی قرار می‌گیرند. آیت‌الله خامنه‌ای همواره جزء حامیان شریعتی به شمار می‌آمد، به‌ویژه در زمانه‌ای که شریعتی به مخالفت با اسلام و روحانیت متهم بود. این حمایت به واسطه پیوند و آشنایی و صمیمیت او با شریعتی بود. خود ایشان اظهار داشته است: «من پیش از خیلی از کسانی که بعدها با پاره‌ای از اشتباهات دکتر آشنا شده بودند به خاطر انس و آشنایی و صمیمیت و رفاقت نقطه‌های اشتباه را در اندیشه او مشاهده می‌کردم، لمس می‌کردم گاهی هم با هم بحث می‌کردیم، اما می‌دیدم که او چه می‌کند، لمس می‌کردم که او چه هنر بزرگی دارد به کار می‌برد، نمای خارجی اسلام در دید طبقات تحصیل‌کرده و روشنفکر در آن روز یک نمای ضدروشن‌بینی بود. درست است که در سال ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ و چند سال بعد از مقاومت عظیمی که مردم به پشت گرمی و اتکاء حوزه علمیه کردند نظرها نسبت به اسلام تا حدود زیادی واقع‌بینانه شد، اما این معنایش این بود که اسلام مبارز

است، اسلام مقاومت است، اسلام ضدظلم است. معنایش این نبود که اسلام ما را به پرواز بی‌نهایتی، به سوی کشف و گشودن اندیشه‌های ناگشوده فکری و مقدس و انسانی و شریف سوق می‌دهد. این کار شریعتی توانست نسل جوان را یک‌جا و در بست به طرف مذهب و ایمان مذهبی بکشاند. این کار را او به طبیعت خود می‌کرد و تصنعی در این کار نداشت.»

نزدیکی و قرابت این دو تا آنجایی است که آیت‌الله‌شهید بهشتی در دفاع از مرحوم شریعتی متمسک به اظهارات آیت‌الله خامنه‌ای می‌شود و نقل می‌کند: «برادر عزیزمان آقای خامنه‌ای در یک مورد دیگر نقل کردند که با دکتر بحث کردیم درباره یک موضوعی که ایشان پذیرا بود. بنابراین یک انسان جست‌وجوگر، یک انسان کاوشگر، یک انسان پوینده، واقعاً باید آماده پذیرش آن چیزی باشد که به پویش سالم او کمک کند.»

حافظه

سرزمین الماس

نگاهی به حضور استعمارگران در سرزمین سرخپوستان

که در عمل بردگی قانونی بود. هزاران سرخ‌پوست به کار اجباری در معادن طلا و نقره و مزارع نیشکر گماشته شدند و زیر شکنجه و گرسنگی و بیماری، جان دادند. برآوردها نشان می‌دهد جمعیت بومی در نخستین دهه‌های استعمار تا ۹۰ درصد کاهش یافت.

این استثمار وحشیانه سه قرن ادامه یافت تا اینکه السالوادور در سال ۱۸۲۱ از اسپانیا اعلام استقلال کرد و پس از پیوستن کوتاه به مکزیک، در سال ۱۸۲۳ عضو اتحادیه «ایالات متحده آمریکای مرکزی» شد، اما این اتحادیه در سال ۱۸۳۸ تجزیه و السالوادور به جمهوری مستقل تبدیل شد. با این حال، زخم‌های استعمار هرگز التیام نیافت. نابرابری ساختاری در مالکیت زمین، سلطه کلیسا و شکاف عمیق طبقاتی که اسپانیا به ارث گذاشته بود، زمینه‌ساز کودتاها، دیکتاتوری و جنگ داخلی دهه ۱۹۸۰ شد که ده‌ها هزار کشته بر جای گذاشت. بنابراین تاریخ السالوادور نه فقط روایت استقلال، بلکه گواهی بر نسل‌کشی فرهنگی و انسانی است که اسپانیا با پوشش «تمدن‌سازی»

«السالوادور» کوچک‌ترین و پرتراکم‌ترین کشور آمریکای مرکزی، امروزه سرزمینی با جمعیتی نزدیک به ۶ میلیون نفر است که بیشتر آنها دوره‌های سرخ‌پوست و اسپانیایی‌اند؛ اما این ظاهر امروزی، پرده‌ای است بر روی جنایات هولناکی که در دوره استعمار بر این سرزمین رفته است.

پیش از ورود اسپانیایی‌ها، منطقه السالوادور جایگاه تمدن‌های بومی پویایی، چون پیپیل‌ها در غرب و لنکاها در شرق بود. پیپیل‌ها حدود سال ۹۰۰ میلادی پادشاهی «کوزکاتلان» را بنیان نهادند و آثار تمدن مایا نیز در این سرزمین به جای مانده بود؛ اما این شکوفایی با ورود «پدرود آلواردو» در سال ۱۵۲۵ برای همیشه نابود شد. آلواردو، همان فاتح بیرحمی که پیشتر آرتک‌ها را در مکزیک قتل‌عام کرده بود، با سپاهی مسلح به تفنگ و اسب، به السالوادور تاخت و پس از نبردهای خونین، این سرزمین را به نام اسپانیا تصرف کرد.

جنایات اسپانیایی‌ها در السالوادور به میدان نبرد محدود نبود. آنها سامانه وحشیانه «انکومیندا» را پیاده کردند

دهلیز

تولد کارگزاران سازندگی

نظر رهبر شهید درباره فعالیت حزبی در حین مسئولیت

عهده شماس‌ت، به بار نخواهد نشست. «حضرت آقا رسماً اعلام کردند: «به نظر من آقایان وزرا هم نباید وقت خود را در کارهای حزبی صرف کنند. لذا تقاضا کردند که وزرا در این حزب حضور نداشته باشند.»

با نظر صریح رهبر شهید مبنی بر حضور نداشتن وزرا در این گروه سیاسی، ۱۰ وزیر حاضر در مجموعه از حضور رسمی کناره‌گیری کردند و ۶ نفر باقی ماندند که بعدها نیز به گروه ۶ نفره شهرت یافتند- به طور رسمی هدایت این جمع را برعهده گرفتند. این مسئله طی دومین بیانیه گروه اعلام شد.

سال‌ها بعد در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت در پنجم شهریور ۱۳۸۰ رهبری‌ماجرار اینگونه نقل کردند: ««زمان آقای هاشمی وقتی حزب آقایان کارگزاران درست شد، یکی از اشکالات اساسی‌ای که من به کار آنها گرفتم و به آنها گفتم، این بود که برای حزب باید وقت صرف کنید- دور هم بنشینید و حرف بزنید، تبادل نظر کنید، بلی و خیر بگویید، بحث‌های سیاسی و روشنفکری کنید که ولو در کار شما هیچ اثری هم نگذارد، باید بدانید که این مقدار همت و وقت، متعلق به دولت است.»

در آستانه انتخابات مجلس پنجم حزب «کارگزاران سازندگی» متولد شد. ۳۰ دی ماه ۱۳۷۴ بود که جمعی با عنوان «خدمتگزاران سازندگی» نامه‌ای خطاب به مجلس منتشر کردند که پای آن را ۱۰ وزیر و چهار معاون رئیس‌جمهور و ۲ مدیر ارشد دولت امضا کرده بودند. این افراد عبارت بودند از: کرباسچی(شهردار تهران)، نوربخش(رئیس کل بانک مرکزی)، مهاجرانی(معاون حقوقی رئیس‌جمهور)، هاشمی(معاون رئیس‌جمهور)، هاشمی‌طبا(معاون تربیت‌بدنی رئیس‌جمهور)، نجفی(وزیر آموزش و پرورش)، نعمت‌زاده(وزیر صنایع)، فروزش(وزیر جهاد)، شافعی(وزیر تعاون)، امراللهی(معاون انرژی اتمی رئیس‌جمهور)، زنگنه(وزیر نیرو)، غرضی(وزیر نفت)، ترکان(وزیر راه)، کلاتری(وزیر کشاورزی)، محمدخان(وزیر اقتصاد) و شوشتری(وزیر دادگستری).

رهبری معتقد بودند: «دولت نباید به جایی تبدیل شود که احزاب می‌خواهند دیدگاه‌ها و گرایش‌های خودشان را در آنجا رسمی و پرچمش را بلند کنند. این درست نیست؛ نتیجه‌اش این خواهد شد که از کار می‌مانید و آن وظیفه‌ای که بر

۳

تاریخ

شماره ۱۲۴۷ | دوشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۵

صداق

تقویم انقلاب

آمریکایی‌ها جان‌شان را در خطر می‌دیدند

رسوایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران- ۱۴

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



روند حوادث ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ نشان می‌دهد، آمریکایی‌ها نقشه پیچیده‌ای را در دستور کار داشتند، اما از ترس مخالفان شاه، به ویژه مراجع تقلید آن را علنی نمی‌کردند. این روند تا فروردین ۱۳۴۳ ادامه داشت تا اینکه امام خمینی (ره) از حصر آزاد شدند و مردم تهران و قم با برگزاری جشن آزادی و شادی استقبال خیلی خوبی از امام(ره) انجام دادند. در حالی که یک ترفندی پشت این «آزادی» بود و کسی خبری از آن نداشت. با ذکر چند نکته، این توطئه شیطنی عیان‌تر می‌شود.

۱- روزنامه اطلاعات در ۱۸ فروردین ۱۳۴۳، بخشی از این پنهان‌کاری را در سر مقاله خود نشان داد؛ آنجا که آورده بود «جای خوشبختی است که جامعه روحانیت نیز هم اکنون با همه مردم همگام در اجرای برنامه‌های انقلاب شاه و مردم شده است و...». مفهوم این جمله این است که آنها امام خمینی (ره) را سوءتفاهم دانستند و روحانیت را پشتیبان حکومت تلقی کردند.

۲- این ترفند و دروغ آشکار برای امام(ره) قابل تحمل نبود؛ لذا ایشان همان روز پاسخ این ترفند را دادند و آن را تکذیب کردند. پس از آن با پیگیری امام(ره) معلوم شد این سرمقاله را ساواک نوشته است. امام راحل در روز ۲۱ فروردین ۱۳۴۳ بر فراز منبر قرار گرفتند و فرمودند: «این روزنامه کثیف اطلاعات که در سر مقاله‌اش نوشته بود که با روحانیت تفاهم شده و روحانیت با انقلاب سفید شاه و ملت موافق است، کدام انقلاب؟ کدام ملت؟ ... خمینی را اگر دار هم بزیند تفاهم نخواهد کرد و...»

۳- با فرارسیدن اولین سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد که مصادف با ایام ماه محرم شده بود، رژیم محمدرضا شاه تمام قوای خود را سامان داده بود که کشور را تحت سیطره خود داشته باشد. به همین دلیل بسیار از سخنرانان را از منبر رفتن ممنوع کرد، عده‌ای را هم برای گرفتن تعهد به شورای امنیت وقت مورد تهدید و ارباب قرار داد و جمعی از واعظان را هم دستگیر و بازداشت کرد. از طرفی هم به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد امام خمینی (ره) و جمعی از علمای تراز اول، با صدور اعلامیه‌ای عزای عمومی اعلام کرده و تصریح کردند: «ترک نصیحت و سکوت را جرم و گناه بزرگ می‌دانیم.»

۴- از این تاریخ به بعد امام خمینی (ره) در صدد سازماندهی نیروهای وفادار به قیام ۱۵ خرداد برآمدند و اولین قدم را با تشکیل جلسات هفتگی شب‌های یکشنبه با حضور علمای قم برداشتند.

۵- در سال ۱۳۴۰ که شاه همه کاره شده بود، باز هم آمریکایی‌ها جان‌شان را در خطر می‌دیدند و درخواستی داشتند که حاکمیت ایران محرمانه آن را دنبال می‌کرد. دولت وقت ایران برای اجرای این برنامه، طرحی را با عنوان یک «لایحه» به تصویب رساند که انجام مقدمات آن زمان می‌خواست و دولت اسدالله علم و حسنعلی منصور درگیر این موضوع شدند.

قبلیه عشق

دلم برایت تنگ شده است



تولد همسرم ۱۹ فروردین بود. پارسال که آخرین تولدش بود، به‌محض اینکه نزدیک آمدنش شد، چراغ‌ها را خاموش کردم، شمع روشن کردم. وقتی به پشت در رسید، بلند گفتم: برق نداریم. بچه‌ها هم با خنده می‌گفتند: بابا برق نداریم، بیاداخل. همین که محمود وارد خانه شد، بچه‌ها چراغ را روشن کردند. می‌خواستم محمود را سورپرایز کنم، اما او من را سورپرایز کرد. چند شاخه گل رز پشش قايم کرده بود تا به ما بدهد.

زمانی که می‌خواست شمع را فوت کند، دخترم فیلم می‌گرفت. من یک‌دفعه گفتم: نه فوت نکن، باید آرزو کنی. زیر لب چیزی گفتم و دستش را به نشانه آمین بلند کرد. همانجا متوجه شدم شهادتش را از خدا می‌خواهد. گفتم: یک آرزوی دنیایی هم بکن. بلند گفتم: ان‌شاءالله خدا همه شما را برای من نگه دارد. خودم هم روز پاسدار برایش پیام دادم و نوشتم: ان‌شاءالله عاقبت با شهادت باشد. فکرش را هم نمی‌کردم که این آخرین تولدش باشد. آرزو می‌کردم شهید شود؛ ولی نه در جوانی.

خاطرم هست سحر روز ۱۰ اسفند بود که خبر شهادت حضرت آقا را شنیدم. خیلی بی‌تاب شدم. تماس گرفتم با پدرم که دنبالم بیاید. از آن روز منزل پدرم بودم. چند روز بعد دایی‌ام زنگ زد و به پدرم گفت: بیا پایین. همه روزه بودیم و استراحت می‌کردیم، دلشوره گرفتم که نکند برای محمود اتفاقی افتاده باشد.

بعد پدرم به گوشی مادرم زنگ زد. خودم جواب دادم. پدرم جا خورد. مکثی کرد و گفت: به مادرت بگو اگر برای افطار چیزی لازم دارد بیاید پایین. مادرم هم رفت. زنگ در را که زدند، مادر و پدر و دایی‌ام آمدند.

دایی شروع کرد صحبت از خانواده شهدایی که برای تشییع‌شان رفتند. همان لحظه تلفن من زنگ خورد. دایی‌ام گوشی را از دست من گرفت و اجازه نداد جواب بدهم. همان جا بود که یقین پیدا کردم عزیز دلم به شهادت رسیده است. آن لحظه دنیا سر من خراب شد. به هزار چیز فکر می‌کردم. به اینکه من ۶ روز است که ندیدمش، ۵ روز است صدایش را نشنیدم، چرا درست خداحافظی نکردیم. اگر دو روز مأموریت می‌رفت، هزار بار خداحافظی می‌کردم. می‌گفتم: هنوز نرفتی دلم برایت تنگ شده است. حالا نمی‌دانم چند روز دیگر زنده‌ام و عزیزم را نمی‌بینم.

به نقل از همسر شهید محمود سالک قدیمی

شهید محمود سالک قدیمی از شهدای هوافضای کشورمان است. شهدایی که در عین گمنامی پای لانچر به شهادت رسیدند.

سخت‌گویی سپاه از انهدام ۱۱ هواپیمای جنگنده و بالگرد آمریکایی طی ۱۵ روز نبرد (از ۱۷ تیر تا ۳۱ تیر) خبر داد. سردار حسین محبی گفت: «طی ۱۵ روز نبرد (از ۱۷ تیر تا ۳۱ تیر)، نیروهای مسلح ایران ۱۱ هواپیمای جنگنده و بالگرد آمریکایی را روی زمین و در حالی که در پایگاه‌های آمریکایی در منطقه مستقر بودند، منهدم کردند.» وی افزود: «در حملات ایران، همچنان ۱۷ پهپاد شناسایی و عملیاتی (که ۸ پهپاد آکبند بودند)، یک هواپیمای جنگنده اف-۱۵ در داخل شلتر، یک هواپیمای A-۱، یک هواپیمای ترابری C-۱۷، و ۸ هواپیمای سوخت‌رسان منهدم شدند.»

در حوزه راداری و پدافندی: ۷ مرکز فرماندهی و کنترل

۳ سامانه ارتباط ماهواره‌ای ۶ رادار پدافندی پاتریوت (سامانه‌های پاتریوت به قدری ضعیف شده است که موشک‌ها و پهپادهای ایران بدون رهگیری به هدف می‌خورند) ۳ رادار کنترل و مانیتورینگ هوایی و دریایی ۸ سامانه راداری کشف و اخطار اولیه ۷ رادار دفاع موشکی هوایی ۳ سامانه راداری EPS ۲ رادار EPS ۱۱۷ ۵ رادار برد بلند ۲ رادار پدافندی ۱ مجموعه راداری تاکتیکی

در حوزه پشتیبانی و لجستیک به منظور کاهش توان عملیاتی:

۶ مرکز تعمیر و نگهداری جنگنده و بالگرد ۳ مرکز پشتیبانی و لجستیک ۱۲ مخزن سوخت

سرلشکر سیدیحیی صفوی عنوان کرد

نشانه‌های افول دشمن



آمریکا، تلاش خواهند کرد که شرایط موجود را حفظ کنند، اما مقاومت ملت‌ها و اقدامات نیروهای مسلح می‌تواند معادلات میدان را تغییر دهد.» وی با بیان اینکه مقاومت ملت ایران و ادامه حضور رزمندگان در جبهه‌های مقابله با ظلم و استکبار، دستاوردهای بزرگی به همراه داشته است، گفت: «امروز نشانه‌های افول قدرت رژیم‌های کودک‌کش و افزایش قدرت ملت ایران به منزله یکی از قدرت‌های مهم منطقه غرب آسیا قابل مشاهده است.»

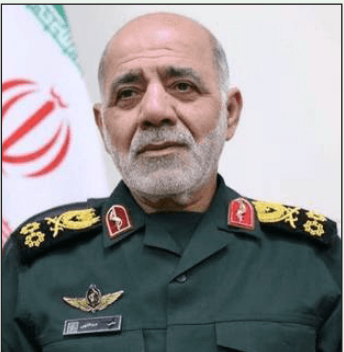
سردار حسین محبی خبر داد

نابودی هواگردهای آمریکایی پیش از پرواز

یک مرکز هوش مصنوعی، پایگاه مرکز پردازش داده مربوط به شرکت آمازون یک مرکز دپوی شمشاد (شناور مدیریت‌پذیر از دور) یک اسکله سوخت ۴ شلتر جنگنده ۶ رمپ پرواز و توقف ۴ در حوزه عملیات هوایی: ۱۱ هواپیمای جنگنده و بالگرد (روی زمین) ۱۷ پهپاد شناسایی و عملیاتی (۸ تا آکبند بودند) یک هواپیمای جنگنده اف-۱۵ داخل شلتر یک هواپیمای پی-۸ یک هواپیمای ترابری سی-۱۷ ۸ هواپیمای سوخت‌رسان ۴ بالگرد سنگین ۶ موشک ذخیره

سرلشکر علی عبداللهی مطرح کرد

چهره تکرار نشدنی اطلاعاتی



وی را در قامت یک «نظامی راهبردی» ترسیم و تصریح کرد: «شهید بزرگوار ما، یک دیپلماتیک فعال در عرصه دیپلماسی دفاعی بود که مرزهای امنیت را فراتر از جغرافیا تعریف می‌کرد؛ یک نظامی باهوش و استراتژیست که با نگاهی جامع به معادلات منطقه‌ای، از عمق راهبردی اطلاعات بهره می‌برد و در عین حال، فردی بسیار مسلط در حوزه فنی و تخصصی اطلاعات بود که هرگونه خلأ در ساختار حفاظت اطلاعات را با دانش و عدالت‌محوری پر می‌کرد.»

فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء(ص) با حضور در منزل شهید والامقام «سرلشکر سیدمجید خادمی» رئیس شهید سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که در جنگ تحمیلی سوم و جنایت تروریستی آمریکایی-صهیونی به درجه رفیع شهادت نائل آمد، با خانواده معظم این شهید بزرگوار دیدار و گفت‌وگو کرد.

سرلشکر عبداللهی در این دیدار، با گرامیداشت یاد و خاطره سرلشکر شهید سیدمجید خادمی، اظهار داشت: «شهید خادمی بسیار انسان با روحیه، شاداب و روحیه‌بخش بودند. ایشان از برادران قدیمی و نسل اول سپاه پاسداران به شمار می‌رفتند که با مهارت‌های بی‌مثال، اشراف کامل به ساختارهای امنیتی، زحمات طاقت‌فرسا و ماندگاری را در حوزه اطلاعاتی رقم زدند. به جرئت می‌توان گفت که شهید خادمی در مجموعه اطلاعات و امنیت کشور، یک چهره تکرار نشدنی و غیرقابل قیاس است.» فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء(ص) با تبیین ابعاد چندگانه شخصیتی این شهید بزرگوار،

مرگ مغزی سنتکام

RAM نیز هدف قرار می‌گیرند تا آخرین لایه‌های دفاعی پایگاه از مدار خارج شوند.

در چنین وضعیتی، زمانی که سامانه‌های شناسایی، دفاعی و پشتیبانی یک پایگاه به‌طور هم‌زمان دچار اختلال شوند، حفظ ظرفیت عملیاتی آن با دشواری رویه‌رو خواهد شد و بخشی از مأموریت‌ها ناچار به پایگاه‌های دیگر منتقل می‌شود؛ موضوعی که می‌تواند به افزایش مسیرهای پروازی، هزینه‌های لجستیکی و فشار بیشتر بر شبکه عملیاتی آمریکا در منطقه و مرگ مغزی سنتکام در منطقه منجر شود.

مسلح ایران، در نخستین گام، سامانه‌های راداری را مورد اصابت قرار داده‌اند تا توان کشف و هشدار زودهنگام پایگاه کاهش یابد.

در مرحله بعد، سامانه‌های مقابله با پهپاد هدف قرار می‌گیرند؛ بخشی که وظیفه حفاظت از پهپادها و تجهیزات پروازی مستقر در پایگاه را بر عهده دارد. ادامه عملیات با حمله به مخازن سوخت همراه می‌شود؛ اقدامی که می‌تواند فرآیند سوخت‌رسانی و پروازهای عملیاتی را با اختلال مواجه کند.

در نهایت، سامانه‌های دفاع موشکی پاتریوت و C-

خبر

۴ هزار خودرو

«سرهنگ رنجبر» فرمانده آموزشگاه شهید ثابت‌خواه نیروی زمینی سپاه از راه‌اندازی پارکینگ ۴ هزار خودرویی زائران اربعین در مرز خسروی و برپایی موبک خدمت‌رسانی این آموزشگاه در شهرستان گیلان‌غرب خبر داد. رنجبر با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای خدمت‌رسانی به زائران اربعین حسینی اظهار کرد: «پارکینگ خودرو و ایستگاه صلواتی شهید صادق چله‌نیا در نقطه صفر مرزی خسروی با ظرفیت چهار هزار خودرو راه‌اندازی شده است. وی افزود: «این مجموعه با هدف تسهیل در تردد زائران، کاهش دغدغه‌های مربوط به توقف خودروها و ایجاد آرامش خاطر برای زائرانی که از مرز بین‌المللی خسروی عازم عتبات عالیات هستند، آماده ارائه خدمات است.»

خط مقدم

«سردار محمدعلی نظری» فرمانده سپاه ثارالله استان کرمان با اشاره به هم‌افزایی بسیج سازندگی و راهداری در اجرای پروژه‌های عمرانی، اظهار کرد: «راه‌روستایی دهنو که کوتاه‌ترین مسیر دسترسی به شهداد است، تا پیش از آغاز بارندگی‌های پاییزی تکمیل می‌شود و گامی مهم در تسهیل زندگی مردم منطقه خواهد بود. راه‌روستایی دهنو کوتاه‌ترین مسیر ارتباطی این روستا با شهر و بخش شهداد است که مردم سال‌ها از نبود آن با مشکلات متعددی مواجه بودند. با انجام مطالعات فنی از سوی اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای و ورود بسیج سازندگی به اجرای پروژه، عملیات عمرانی این مسیر با جدیت در حال انجام است.»

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق در گفت‌وگو با «صبح صادق»

هیچ تحریمی نمی‌تواند اقتصاد ایران را زمین‌گیر کند

ساحل عباسی

خبرنگار

«یحیی آل‌اسحاق» گفت: «امروز ما درگیر جنگ اراده‌ها هستیم، از این رو باید تاب‌آوری خود را تا حصول موفقیت و پیروزی در برابر دشمن افزایش دهیم. تاب‌آوری دو ماهه‌ای که اگر دولت و حاکمیت پای کار آن باشند و از همه حوزه‌ها اعم از معیشت مردم تا کسب و کار و مشاغل حمایت کنند، قطعاً با این تاب‌آوری طی یکی دو ماه آینده از بحران‌های بزرگی عبور می‌کنیم.»

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق در گفت‌وگو با «صبح صادق» درباره اهمیت توجه مسئولان به تاب‌آوری اقتصادی در جنگ نظامی و محاصره دریایی آمریکا به چند مؤلفه مهم حول این محور اشاره کرد و گفت: «یکی از موضوعاتی که کارشناسان اقتصادی در خصوص تبعات و پیامدهای محاصره دریایی دشمن بیان می‌کنند، نگرانی بابت چالش‌های اقتصادی پیش‌روست، هر چند این موضوع از بسیاری جهات درست است، اما نباید نسبت به این نکته غفلت کرد که ایران طی بیش از چهار دهه گذشته درگیر تحریم‌ها بوده است.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «طی بیش از چهار دهه گذشته اقتصاد ایران به اشکال گوناگون تحت محاصره و تحریم دنیای غرب بوده است. بنابراین تحریم اقتصاد ایران یا تلویحاً محاصره اقتصادی ایران موضوع جدیدی نیست که برای ما گمنام یا ناآشنا باشد؛ چرا که به خاطر دارم در دوران وزارت‌م در سال ۱۳۷۶ وضعیت واردات ایران به دلیل تشدید تحریم‌ها به قدری بد بود که حتی نمی‌توانستیم سیم برق مورد نیاز کشور را وارد کنیم!»

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق تأکید کرد: «مسئله حائز اهمیت آن است که ظرف چهار دهه گذشته در بسیاری از کشورها روی تحریم‌ها و اینکه چه کالاهایی مشمول تحریم قرار می‌گیرد و چگونه تحریم‌ها محقق و خنثی می‌شوند، بسیار کار انجام شده است؛ به گونه‌ای که حتی اگر محاصره دریایی آمریکا به کامل‌ترین شکل ممکن علیه ایران شکل بگیرد، درنهایت باید حدود ۳۰ شرط رعایت شود تا ایران از دست‌یابی به برخی کالاها محروم و موفق به واردات آنها نشود.»

آل اسحاق در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «در این زمینه گفتنی است از ۳۰ شرطی که ایران

نتواند کالایی وارد کند، کالا باید حتماً انحصاری باشد تا کشور تحریم شده نتواند از جای دیگری آن را تهیه کند.»

وی در این باره گفت: «برای نمونه، تهیه آن کالا برای کشور تحریم شده، از سایر راه‌ها نیز امکان‌پذیر نباشد بنابراین اینگونه نیست که کل نهاده‌ها و کالاهای اساسی مورد نیاز کشور حتماً از بنادر جنوبی وارد کشور شود و آمریکا موفق به تحت فشار قرار دادن ایران از این طریق شود.» وزیر اسبق بازرگانی گفت: «از سوی دیگر در تمام دنیا تحریم‌هایی که روی کشورهای تحریم شونده مانند ایران، کوبا یا روسیه و... از سوی آمریکا و کشورهای غربی صورت گرفته، به صورت کامل محقق نشده است؛ بلکه در نهایت تحریم‌ها توانسته‌اند بین ۲۰ تا ۳۰ درصد اثر کنند و بر اقتصاد آن کشور اثر گذار باشند.»

این فعال تجاری معتقد است: «خوشبختانه دولت با توجه به مسائل سیاسی و تجاوز دشمن در سال گذشته با آگاهی نسبت به اینکه دشمن درصدد تجاوز و فشار اقتصادی بر ایران است، از سال گذشته تا کنون ذخایر خوبی از کالاهای اساسی مورد نیاز کشور را ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد یکی از فعالیت‌های مطلوب دولت تأمین کالای اساسی کشور تا شش ماه آینده است؛ به گونه‌ای که برای شش ماه آینده نسبت به تأمین ذخایر استراتژیک اطمینان خاطر وجود دارد.» وی در این باره تصریح کرد: «از سوی دیگر دولت با کشورهای جایگزینی که از سایر مسیرها می‌توان واردات و صادرات با آنها را در دستور کار قرار داد، وارد گفت‌وگو و رایزنی شده است. بنابراین برخی کشورها جایگزین شرکای تجاری پیشین ما شده‌اند تا زمانی که از بحران امروز عبور کنیم.»



آل اسحاق یادآور شد: «به یاد دارم در زمان وزارت اینجانب حتی ذخایر گندم کشور به یک هفته نمی‌رسید، یعنی زیر یک هفته بود، در حالی که اکنون ذخایر کشور خوشبختانه تا شش ماه آینده تأمین شده است. پس در این موضوع که نسبت به دهه‌های گذشته و در زمان جنگ و بعد از آن در دوره‌های مختلفی که تحت تحریم‌های گوناگون آمریکا و دنیای غرب قرار گرفتیم، وضعیت بهتری داریم شکی وجود ندارد، لذا نباید گمان کنیم مسئولان شعار می‌دهند؛ چرا که به یاد دارم آن زمان فقط پنج روز ذخیره گندم و نهاده داشتیم، اما امروز واقعیت توانمندی مردم ایران و کشور، بسیار متفاوت از آن دهه‌هاست.»

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی گفت: «دشمن به خوبی می‌داند در ادامه محاصره دریایی ایران ما نیز ابزارهایی برای فشار به تجارت خارجی جهان به ویژه در بسته ماندن تنگه هرمز و باب‌المندب برای فشار به ذخایر انرژی دنیا داریم؛ از این رو ما نیز ابزارهایی برای مقابله به مثل داریم، چرا که تنگه هرمز و باب‌المندب گلوگاه تأمین انرژی جهان به شمار می‌رود.»

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق خاطر نشان کرد: «کشورهای اروپایی حتی کشورهای منطقه‌ای مانند ترکیه، پاکستان و هند قادر به تحمل نرخ‌های بالای نفتی که اکنون به بیش از ۱۰۰ دلار در هر بشکه رسیده، نیستند. بنابراین آمریکا نمی‌تواند بدون توجه به چالش‌هایی که برای سایر کشورهای جهان ایجاد کرده و اتفاقاً آنها را نیز تحت محاصره دیگری قرار داده، محاصره دریایی ایران را تداوم بخشد.»

وی در این باره گفت: «بسته ماندن باب‌المندب به معنای کاهش ۴ تا ۵ میلیون بشکه نفت دیگر از بازار جهانی و افزایش نرخ حمل و نقل کالا

و کشتیرانی و بیمه است؛ چرا که طول مسیرها دو برابر می‌شوند و شاهد بالا رفتن قیمت همه کالاهای مورد نیاز مردم جهان می‌شویم. لذا اینگونه نیست که فقط روی قیمت سوخت اثر منفی به جا بگذارد.»

آل اسحاق معتقد است: «تداوم محاصره دریایی برای ایران به معنای تهدید سایر کشورهاست، نه فقط تهدید اقتصاد ایران یا تهدید مصرف‌کننده ایرانی، اینگونه نیست که محاصره دریایی فقط مخاطراتی برای ایران ایجاد کند، چرا که تداوم خصومت آمریکا با ایران سایر کشورها را در حوزه‌های گوناگون به دردمسرهایی می‌اندازد که قطعاً نمی‌توانند آن را تحمل کنند.»

وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «به همان نسبتی که آمریکا ایران را تحت فشار قرار می‌دهد، به همان میزان نیز مصرف‌کننده آمریکایی و اروپایی و سایر کشورهای منطقه تحت فشار قرار می‌گیرند، البته این فشار بر مصرف‌کننده ایرانی نیز وارد می‌شود؛ از این رو باید تاب‌آوری خود را افزایش دهیم، چرا که در حال حاضر شرط موفقیت و پیروزی در این جنگ نابرابر تاب‌آور بودن است.»

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق معتقد است: «امروز ما درگیر جنگ اراده‌ها هستیم، از این رو باید تاب‌آوری خود را تا حصول موفقیت و پیروزی در برابر دشمن افزایش دهیم. تاب‌آوری دو ماهه‌ای که اگر دولت و حاکمیت پای کار آن باشند و از همه حوزه‌ها اعم از معیشت مردم تا کسب‌وکار و مشاغل حمایت کنند، قطعاً با تاب‌آوری یکی دو ماه آینده از بحران‌های بزرگی عبور می‌کنیم.»

وی یادآور شد: «با توجه به اینکه متأسفانه تورم افزایش یافته و تاب‌آوری مردم را کاهش داده است، توجه به جلوگیری از افزایش تورم موضوع بسیار مهمی است که دولت و تمام ارکان حاکمیت باید آن را مد نظر قرار دهند؛ چرا که کاهش قدرت خرید مردم بیش از این موجب از دست رفتن تاب‌آوری مردم و تحقق خواسته‌های دشمن می‌شود.»

وی در پایان گفت‌وگو تأکید کرد: «قطع به یقین ظرفیت مردم مبعوث شده ایران بسیار بالاست؛ از این رو ضمن توجه داشتن به این نکته که مردم ایران پای انقلاب و نظام مانده‌اند، اما نباید موضوع تاب‌آوری مردم را از نظر دور داشت؛ از این رو باید به این موضوع ورودی جدی داشت و برای تاب‌آوری مردم در ماه‌های پیش رو برنامه‌ریزی جدی داشت.»

افزوده

ورشکستگی!

ورشکستگی، حالت یک تاجر یا شرکتی تجاری است که از پرداخت بدهی‌های خود ناتوان شده و نمی‌تواند تعهدات خود را عملی کند. در اصطلاح به این چنین افراد ورشکسته یا مفلس می‌گویند. ورشکستگی و مقررات آن تنها دربرگیرنده بازرگانان می‌شود و چنانچه اشخاص عادی قادر به پرداخت بدهی خود نباشند، اصطلاحاً به آنان «معسر» گفته می‌شود. شرکت‌های تجارتی چون بازرگان شناخته می‌شوند، مشمول مقررات ورشکستگی می‌شوند ولی شریکان و مدیران آن‌ها چون تاجر نیستند مشمول این مقررات نخواهند شد. برای تقسیم دارایی‌های ورشکسته، بستانکاران نسبت به هم حق تقدمی ندارند ولی در حالت معسر، هر بستانکاری که زودتر اقدام نماید به نتیجه خواهد رسید.



شاخص

خنجر یمنی!

رسانه‌های عربی گزارش دادند، پس از یمن به تاسیسات نفتی آرامکو در عربستان و بیم سرمایه‌گذاران از تاثیر تحولات باب‌المندب بر امنیت انرژی به سقوط بورس کشورهای عربی منجر شد. شاخص بورس عربستان در پایان معاملات با افت ۰.۳ درصدی روبه‌رو شد. در میان نمادهای اثرگذار، سهام بانک سعودی فرانسه ۴ درصد کاهش یافت؛ افتی که به دلیل معامله شدن سهام این بانک پس از تاریخ استحقاق دریافت سود نقدی رخ داد و خریداران جدید دیگر مشمول سود تقسیمی نبودند. سهام شرکت نفتی آرامکو عربستان نیز ۰.۹ درصد افت کرد و به فشار وارد شده بر شاخص اصلی بورس این کشور افزود.



منهای نفت

زهر مار!

واقعیت این است که موضوع تجارت حیوانات در دنیای امروز به عنوان یک صنعت پر سود معرفی می‌شود و البته ایران نیز ملت هاست از صنعت جانوری تا حدودی بهره‌مند بوده است ولی به دلیل ناشناخته بودن، هنوز آن‌طور که باید و شاید از ظرفیت‌های حیوانات کشور مان استفاده نشده است. به‌طور نمونه مؤسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی با پرورش گونه‌های مختلف مار و عقرب و تهیه داروهای ضد سرطان و تولید پادزهر و صادرات این محصولات، درآمد قابل توجهی را عاید کشور می‌کند. همچنین در این مؤسسه سالانه هفت تاده هزار آپول برای صادرات تهیه می‌شود که هر آپول محتوی ۱۰ اسی سی پادزهر با قیمت ۵۲ دلار است و به عبارتی هر ۱۰ اسی سی پادزهر مار ساخت متخصصان ایرانی حدود ۷۰ لیتر نفت، ارزآوری دارد.



۵

بازار

شماره ۱۲۴۷ | دوشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۵

صداقت

یادداشت

اولویت‌بندی منابع ارزی

مرتضی افقه

کارشناس اقتصادی

اصولاً افزایش قیمت ارز در ایران به عوامل متعددی وابسته است که بخشی از آن بر اثر منازعات بین‌المللی و افزایش تنش‌های منطقه‌ای و مسائل سیاسی است و برخی نیز وابسته به تورم است که مجموعه این عوامل روی قیمت ارز اثر گذار است.

نرخ ارز و تورم در اقتصاد ایران به نوعی همواره با هم در حال مسابقه بوده تا از هم پیشی بگیرند؛ چرا که به سرعت از هم متأثر می‌شوند و آثار خود را بر قیمت سایر کالاها و خدمات به جا می‌گذارند.

عامل مؤثر بر افزایش قیمت ارزی روزها و هفته‌های گذشته را باید به از سرگیری جنگ و درگیری آمریکا پس از امضای تفاهم‌نامه ارتباط داد. بی‌تردید، یکی از عمده‌ترین آثار درگیری نظامی در منطقه بین ایران و آمریکا و کشورهای که در سمت‌وسوی آمریکا قرار گرفته‌اند، افزایش قیمت ارز است که به واسطه آن روی میزان تورم نیز اثر می‌گذارد.

افزون بر اینکه افزایش قیمت ارز به شدت روی بالا رفتن میزان تورم اثرگذار است، عامل مهم دیگری در کاهش و از دست رفتن ارزش پول ملی مؤثر است. بنابراین افزایش نرخ ارز، پیامدهای منفی خود را روی افزایش قیمت‌ها و باقی ماندن تورم و انتظارات تورمی در جامعه نمایان می‌کند. افزایش نرخ ارز و نگرانی مردم برای تثبیت پول ملی خود موجب افزایش تقاضا برای ارز می‌شود. از سوی دیگر به دلیل محاصره دریایی با توجه به محدودیت منابع ارزی کشور دولت و بانک مرکزی برای استفاده بهینه از منابع ارزی کشور باید برنامه محور عمل کنند؛ چرا که به هیچ وجه وافر فرصتی برای بریز و بیاش و هدر دادن منابع ارزی وجود ندارد.

کاهش ذخایر ارزی قطعاً موضوع نگران‌کننده‌ای خواهد بود؛ از سوی دیگر افزایش نرخ ارز روی قیمت بسیاری از کالاها اثر می‌گذارد؛ لذا با آگاهی نسبت به این موضوع باید سمت‌وسوی خود را به بهره‌برداری و استفاده درست از منابع ارزی کشور هدایت کنیم، چرا که منابع ارزی باید خرج و هزینه تأمین نیازهای اصلی کشور شود.

مرور تجارب تاریخی ما در طول سال‌های گذشته نشان می‌دهد، با وجود آگاهی مدیران و مسئولان به اینکه ایران سال‌هاست تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی آمریکا قرار دارد و دورنمای روشنی از کاهش یا لغو تحریم‌ها وجود ندارد، متأسفانه مدیریت منابع ارزی کشور آنچنان که باید و شاید مطلوب نبوده است. تا زمانی که ذخایر ارزی کشور چونان گنجی ارزشمند در دستور کار حفاظت مسئولان نباشد و از آن به جز استفاده در جایی که بیشترین و ضروری‌ترین نیاز کشور است، نمی‌توان به کاهش تنش‌های ارزی در بازار ارز و کاهش نیافتن ارزش پول ملی امیدوار بود.

مدیریت بازار ارز و توجه ویژه به این موضوع که نبرد آمریکا با ما چه درعرصه نظامی و اقتصادی ناظر بر تضعیف اقتصاد ایران است، موضوع بسیار مهمی است. بنابراین مدیریت منابع ارزی بسیار اهمیت دارد.

دیگران

اسرائیل و نظم جدید منطقه

یعقوب کاتس

سردبیر سابق جروزالمیپست

صبح صادق این یادداشت را صرفاً جهت اطلاع مخاطبان منتشر میکند/

روابط نظامی میان آمریکا و اسرائیل شاید هیچ‌گاه تا این اندازه نزدیک نبوده است. فرماندهان ارشد ارتش اسرائیل آشکارا از سطح بی‌سابقه همکاری با «اسنتکام» سخن می‌گویند؛ حضوری گسترده از نیروهای آمریکایی در پایگاه‌های هوایی و مراکز مختلف، تبادل اطلاعات عمیق‌تر و حتی بحث درباره دائمی‌تر شدن این استقرار مشترک. با این حال، در سطح سیاسی تصویر متفاوتی شکل گرفته است. در حالی که آمریکا هر شب به ایران حمله می‌کند، اسرائیل عملاً به حاشیه رانده شده است. اظهارات معاون رئیس‌جمهور آمریکاکه اسرائیل را به تلاش برای کشانندن واشنگتن به جنگی گسترده‌تر متهم کرد، ضربه‌ای کم‌سابقه به بنیان‌های اتحاد دو طرف وارد کرد. همزمان، تصمیم ظاهری کاخ سفید برای فروش جنگنده‌های افد-۳۵ به ترکیه و امضای توافق هسته‌ای غیرنظامی با عربستان سعودی–که ابتدا بدون پیوند رسمی با «پیمان ابراهیم» اعلام شد–این احساس را تقویت کرده که اسرائیل در حال کنار گذاشته شدن از معادلات جدید منطقه‌ای است.

فروش افد۳۵ به ترکیه، حتی اگر با نسخه‌ای تعدیل‌شده همراه باشد یا با امتیازاتی فناوریانه برای حفظ برتری کیفی اسرائیل جبران شود، واقعیت راهبردی را تغییر نمی‌دهد: آنکارا قدرتی مهم‌در منطقه است و رابطه نزدیکی با ترامپ دارد. توافق هسته‌ای با ریاض نیز کارت مهمی بود که قرار بود در ازای عادی‌سازی روابط با اسرائیل استفاده شود؛ اما اکنون عربستان تصریح می‌کند تا زمانی‌که جنگ غزه ادامه دارد، به عادی‌سازی تن نخواهد داد.

در عین حال، ترامپ طی هفته‌های اخیر با رهبران لبنان، عراق و حتی رئیس‌جمهور جدید سوریه دیدار کرده، بی‌آنکه دیداری مشابه با نخست‌وزیر اسرائیل برگزار شود. تناقض تلخ ماجرا آنجاست که بسیاری از این تحولات بدون اقدامات نظامی اسرائیل ممکن نبود. از تحولات سوریه گرفته تا جنگ ایران و غزه، همگی زمینه را برای بازتعریف موازنه‌ها فراهم کرد. لبنان امروز فرصت بازبایی اقتدار دولتی را یافته و عراق در مسیر مهار گروه‌های مسلح حرکت می‌کند؛ تحولاتی که بدون عملیات اسرائیل دشوار بود. با این همه، اکنون دیگران درباره آینده منطقه گفت‌وگو می‌کنند و اسرائیل بیشتر نظاره‌گر است.

ریشه این وضعیت نه در ضعف نظامی، بلکه در بن‌بست سیاسی نهفته است. در آستانه انتخابات، دولت اسرائیل توان‌یا اراده پیشبرد هیچ ابتکار سیاسی جلی، به‌ویژه در موضوع فلسطین و غزه را ندارد. هر اقدامی ولو محدود می‌تواند به‌عنوان امتیازدهی تعبیر شود و هزینه سیاسی سنگینی داشته باشد. در نتیجه، دستاوردهای میدانی به سرمایه دیپلماتیک تبدیل نمی‌شود. قدرت نظامی می‌تواند دشمنان را تضعیف کرده و درها را بگشاید، اما عبور از این درها نیازمند ابتکار سیاسی و دولتی است که افق آن فراتر از رقابت انتخاباتی باشد. در غیر این صورت، خطر آن وجود دارد که اسرائیل جنگ‌ها را بجنگد، هزینه‌ها را بپردازد و منطقه را درگیر کند، اما نگارش نظم جدید خاورمیانه به دست دیگران انجام شود.

نگاهی به توافق هسته‌ای جدید ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی و پیامدهای منطقه‌ای آن

فصل جدید پیمان ابراهیم

اهمیت دارد که ابوظبی متعهد شد از غنی‌سازی و بازفرآوری صرف‌نظر کند و پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بپذیرد. اکنون یکی از محورهای اصلی بحث در واشنگتن آن است که آیا در توافق جدید با عربستان نیز همان استاندارد اعمال خواهد شد یا خیر.

برخی گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های آمریکایی و اظهارات کارشناسان حوزه عدم اشاعه نشان می‌دهد که احتمال گنجاندن گزینه غنی‌سازی بومی در آینده، نگرانی‌هایی را برانگیخته است. حتی اگر این موضوع به مطالعه‌ای دو ساله موکول شده باشد، نفس کشودن چنین درپچه‌ای می‌تواند پیامدهای نمادین و راهبردی داشته باشد. در منطقه‌ای که رقابت‌های امنیتی ریشه‌دار است، ایجاد ظرفیت چرخه سوخت هسته‌ای در یک کشور مهم عربی می‌تواند «آستانه فناوری» را در سطح منطقه ارتقا دهد و حساسیت‌های متقابل را افزایش دهد.

در عین حال، مقامات آمریکایی تأکید کرده‌اند که توافق جدید با رعایت «بالاترین استانداردهای ایمنی و عدم‌اشاعه» منعقد شده و هدف آن تقویت امنیت منطقه‌ای و منافع اقتصادی دو کشور است. از منظر رقابت قدرت‌های بزرگ نیز این توافق معنا می‌یابد؛ چرا که روسیه و چین طی سال‌های اخیر حضور فعالی در بازار نیروگاه‌های هسته‌ای خاور میانه داشته‌اند و واشنگتن نمی‌خواهد این عرصه را به رقبای خود واگذارد کند. بنابرین، توافق هسته‌ای با ریاض را باید همزمان در سه سطح تحلیل کرد: اقتصادی، ژئوپلیتیکی و رژیم‌های بین‌المللی عدم اشاعه.

برای کشورمان که همواره برحق بهره‌مندی صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای در چارچوب معاهده عدم اشاعه تأکید داشته، هرگونه تغییر در استانداردهای دوگانه یا انعطاف‌پذیری گزینشی در قبال دیگران، واجد اهمیت حقوقی و سیاسی است. این تحولات می‌تواند بر ادراکات منطقه‌ای و بین‌المللی درباره عدالت هسته‌ای و قواعد بازی تأثیر بگذارد و لازم است با دیپلماسی فعال و حرفه‌ای مورد رصد و تحلیل قرار گیرد.

پیمان ابراهیم و مهندسی نظم منطقه‌ای

پیوند زدن همکاری هسته‌ای به عادی‌سازی روابط با اسرائیل، این توافق را از یک چارچوب فنی به یک پروژه ژئوپلیتیکی ارتقا می‌دهد. «پیمان ابراهیم» که در دوره نخست ترامپ با عادی‌سازی روابط امارات و بحرین با تل‌آویو آغاز شد، تلاشی برای بازتعریف الگوی تعامل کشورهای عربی با اسرائیل بر پایه منافع اقتصادی، فناوری و امنیتی بود. در آن مقطع، وزن کشورهایی که به این پیمان پیوستند محدود بود؛

اما عربستان به‌دلیل جایگاه دینی، اقتصادی و سیاسی خود در جهان اسلام، معادله‌ای متفاوت دارد. قرار گرفتن مکه مکرمه و مدینه منوره در قلمرو عربستان، به این کشور جایگاهی نمادین برای بیش از یک‌ونیم میلیارد مسلمان بخشیده است. افزون بر آن، نقش ریاض در شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب، آن را به بازیگری اثرگذار در تصمیم‌سازی‌های جمعی جهان عرب تبدیل کرده است. از این رو، عادی‌سازی رسمی روابط عربستان با اسرائیل می‌تواند به‌مثابه تغییر چارچوب در سیاست منطقه‌ای تلقی شود و سایر کشورهارا نیز تحت تأثیر قرار دهد.

ترامپ با مشروط کردن توافق هسته‌ای به پیوستن عربستان به پیمان ابراهیم، در واقع بسته‌ای از مشوق‌های فناوریانه و امنیتی را در برابر یک چرخش سیاسی قرار داده است. این رویکرد با الگوی رفتاری آمریکا در قبال ترکیه نیز همخوانی دارد. بازگشت آنکارا به فهرست دریافت‌کنندگان جنگنده‌های افد۳۵ و کاهش محدودیت‌های تسلیحاتی، پس از تنش‌های سال‌های گذشته، نشان‌دهنده تلاش واشنگتن برای بازسازی شبکه متحدان منطقه‌ای خود از طریق اعطای امتیازات ملموس است. در این چارچوب، «تطمیع راهبردی» جایگزین صرف فشار حداکثری می‌شود.

با این حال، مسیر عادی‌سازی برای عربستان بدون چالش نیست. مقامات سعودی طی سال‌های اخیر بارها بر ضرورت تحقق حداقلی از حقوق فلسطینیان به‌عنوان پیش‌شرط عادی‌سازی تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر، تحولات میدانی در فلسطین اشغالی و افکار عمومی جهان عرب می‌تواند هزینه‌های سیاسی چنین تصمیمی را افزایش دهد. بنابرین، هرچند پیوند هسته‌ای و عادی‌سازی از منظر واشنگتن منطقی به‌نظر می‌رسد، اما تحقق آن نیازمند مدیریت پیچیده داخلی و منطقه‌ای در ریاض است.

پیامدها و گزینه‌های پیش‌روی کشورمان

تحولات اخیر را باید در چارچوب سناریوهای محتمل آینده منطقه تحلیل کرد. در سناریوی نخست، عربستان با دریافت تضمین‌های امنیتی و همکاری هسته‌ای، به‌تدریج به سمت عادی‌سازی رسمی حرکت می‌کند و «پیمان ابراهیم» به یک چارچوب گسترده‌تر تبدیل می‌شود. در این حالت، احتمال شکل‌گیری نوعی همکاری امنیتی–فناوری میان آمریکا، اسرائیل و برخی قدرت‌های عربی و حتی ترکیه افزایش می‌یابد. چنین همگرایی‌ای می‌تواند بر موازنه‌های خلیج فارس، شرق مدیترانه و حتی کریدورهای ترانزیتی منطقه اثر بگذارد.

هم‌پیوندی منطقه‌ای؛ راهبردی برای صیانت از ژئوپلیتیک کشورمان

همگرایی کلید ثبات!

بین‌الملل به وضعیتی اشاره دارد که در آن هزینه تقابل برای طرفین افزایش یافته و انگیزه حفظ ثبات تقویت می‌شود. هرچه شبکه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری، انرژی و حمل‌ونقل میان کشورهای منطقه گسترده‌تر باشد، تصمیم‌گیران سیاسی ناگزیر خواهند بود ملاحظات اقتصادی را در محاسبات امنیتی خود لحاظ کنند. چنین سازوکاری به‌تدریج امنیت را از یک مفهوم صرفاً نظامی به یک کالای مشترک منطقه‌ای تبدیل می‌کند. برای کشورمان، توسعه هم‌پیوندی اقتصادی با همسایگان نه یک انتخاب تاکتیکی، بلکه ضرورتی راهبردی است.

کشورمان با برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز در اتصال خلیج فارس به آسیای مرکزی، قفقاز و شبه‌قاره، می‌تواند به هاب ترانزیتی و انرژی منطقه بدل شود. تحقق این ظرفیت مستلزم آن است که سیاست خارجی اقتصادی به‌طور فعال در خدمت ایجاد زنجیره‌های ارزش مشترک، پروژه‌های زیرساختی منطقه‌ای و تسهیل تجارت مرزی قرار گیرد. در حالی که برخی کشورها

در سناریوی دوم، پیچیدگی‌های پرونده فلسطین، مخالفت‌های داخلی در آمریکا یا اختلاف‌نظر درباره غنی‌سازی، روند را کند می‌کند و توافق هسته‌ای در سطحی محدود باقی می‌ماند. در این وضعیت، عربستان ممکن است همکاری‌های خود را متنوع‌سازی کرده و گزینه‌های دیگری از جمله همکاری با قدرت‌های شرقی را نیز در نظر بگیرد. سناریوی سوم، که کم‌احتمال اما پرریسک است، بروز رقابت فناوری هسته‌ای در منطقه در صورت تضعیف رژیم‌های نظارتی و افزایش بی‌اعتمادی‌های امنیتی است که می‌تواند چالش‌های خطریر و مرگیری برای منطقه داشته باشد.

برای کشورمان، در هر سه سناریو چند اصل راهبردی اهمیت دارد. نخست، تقویت دیپلماسی منطقه‌ای و تداوم گفت‌وگو با همسایگان، به‌ویژه عربستان، برای جلوگیری از شکل‌گیری برداشت‌های تهدیدمحور. تجربه اخیر در بهبود روابط دوجانبه نشان داده که مدیریت اختلافات از مسیر گفت‌وگو امکان‌پذیر است و می‌تواند از تبدیل رقابت‌ها به تقابل جلوگیری کند. دوم، ارتقای توانمندی‌های بومی در حوزه انرژی، از جمله انرژی‌های نو و هسته‌ای صلح‌آمیز، در چارچوب مقررات بین‌المللی، برای حفظ توازن فناوری ضروری است.

سوم، رصد داده‌بنیاد تحولات و استفاده از ظرفیت اندیشکده‌ها و دانشگاه‌های کشورمان برای سناریونویسی دقیق درباره پیامدهای نظم احتمالی جدید اهمیت دارد. سیاست‌گذاری موفق در محیط متلاطم منطقه‌ای، نیازمند پیش‌بینی‌پذیری راهبردی و انسجام در تصمیم‌سازی است. چهارم، بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی و ترانزیتی کشورمان در قالب ابتکارات منطقه‌ای می‌تواند وزن ژئوپلیتیکی ما را در هر آرایش جدیدی تثبیت کند و مانع از حاشیه‌رانی شود.

در جمع‌بندی باید گفت توافق هسته‌ای آمریکا و عربستان، در پیوند با شرط عادی‌سازی روابط با اسرائیل، صرفاً یک قرارداد انرژی نیست؛ بلکه بخشی از تلاش گسترده‌تر برای بازآرایی موازنه‌های قدرت در غرب آسیاست. ترامپ با استفاده همزمان از اهرم‌های تطمیی در قبال ترکیه و عربستان، در پی آن است که شبکه‌ای همسو با راهبرد خود شکل دهد. آینده این پروژه به متغیرهای متعددی وابسته است، اما آنچه قطعی به نظر می‌رسد، تأثیر آن بر محیط امنیتی پیرامونی کشورمان است. از این رو، برنامه‌ریزی هوشمندانه، تقویت انسجام داخلی و دیپلماسی فعال منطقه‌ای، شرط لازم برای صیانت از منافع ملی در برابر تحولات پیش‌رو خواهد بود؛ زیرا در نهایت، این بازیگران منطقه هستند که با تدبیر یا غفلت خود، سرنوشت نظم آینده را رقم می‌زنند.

به‌دنبال کاهش وابستگی به تنگه هرمز هستند، کشورمان می‌تواند با رویکردی هوشمندانه، این روند را از تهدید بالقوه به فرصت مکمل تبدیل کند. به‌جای نگاه رقابتی صرف، می‌توان از طریق دیپلماسی اقتصادی فعال، مسیرهای جایگزین را به شبکه‌های گسترده‌تر منطقه‌ای متصل کرد؛ به‌گونه‌ای که حذف‌پذیری هیچ بازیگری ممکن نباشد. برای نمونه، اتصال کریدورهای شرق–غرب به کریدور شمال–جنوب و پیوند دادن بنادر جنوبی به بازارهای آسیای مرکزی، می‌تواند وابستگی متقابل چندلایه ایجاد کند. هم‌پیوندی اقتصادی همچنین کارکرد پیشگیرانه در مدیریت بحران‌ها دارد. منطقه‌ای که شبکه‌ای از منافع مشترک در آن شکل گرفته باشد، در برابر شوک‌های امنیتی انعطاف‌پذیرتر است. جمع‌بندی آنکه تنش‌های اخیر باید به‌مثابه هشدار برای بازیگرانی در مسیرهای تعامل منطقه‌ای تلقی شود. کشورمان با تکیه بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، اقتصادی و انسانی خود می‌تواند پرچم‌دار گفت‌مان هم‌پیوندی در غرب آسیا باشد. حرکت در این مسیر، نه‌تنها جایگاه راهبردی ما را تثبیت می‌کند، بلکه با ایجاد وابستگی متقابل پایدار، هزینه واگرایی را برای همه بازیگران افزایش می‌دهد. امنیت پایدار منطقه از دل رقابت‌های فرسایشی برنمی‌آید؛ بلکه حاصل شبکه‌ای از منافع مشترک است.

نگاهی به کارنامه اکبر عبدی، بازیگر فقید سینمای ایران

هنرمندی که به کمدی هویت بخشید



آرش فهیم
دبیر گروه فرهنگ

در تاریخ سینمای پس از انقلاب اسلامی، چهره‌هایی ظهور کردند که حضورشان جریان‌ساز، سبک‌آفرین و هویت‌بخش بود. اکبر عبدی بدون شک یکی از این چهره‌هاست؛ هنرمندی اصیل، صاحب‌سبک و مردمی که توانست کمدی و بازیگری در سینما و تلویزیون ایران را از ورطه سطحی‌نگری‌های مرسوم جدا کرده و به آن هویتی بومی، ملی و اجتماعی ببخشد. کوچ این سرمایه هنری، نه تنها خسارتی برای هنر هفتم، بلکه سوگی برای جامعه‌ای است که دهه‌ها با خنده‌ها و گریه‌های او زیسته است و از او، خاطره‌هایی فراموش نشدنی دارد.

اکبر عبدی پدیده‌ای منحصر به‌فرد در پهنه بازیگری ایران بود؛ بازیگری که ظرفیت‌های رشک‌برانگیز فن‌نمایش را با درک عمیق از جان‌مایه فرهنگ ایرانی پیوند زد. کمدی در سینمای پیش از انقلاب غالباً مبتنی بر لودگی یا کپی‌برداری‌های ناشیانه از الگوهای غربی و شرقی بود، اما با ظهور عبدی در ابتدای دهه شصت، مفاهیمی چون کمدی موقعیت، طنز دغدغه‌مند و بازیگری بی‌تکلف جان تازه‌ای گرفت. او نشان داد که طنز پاک و بومی نه تنها می‌تواند مخاطب عام را به نشاط آورد، بلکه می‌تواند عمیق‌ترین مفاهیم انسانی، اجتماعی و تاریخی را نیز منعکس کند.

نگاهی به کارنامه پرپار و نقش‌آفرینی‌های ماندگار او، توانایی شگفت‌انگیز وی در خلق شخصیت‌های گوناگون را به رخ می‌کشد. در فیلم سینمایی «مادر»

ساخته مرحوم علی حاتمی، عبدی نقشی را ایفا کرد که شاید هر بازیگر دیگری در مواجهه با آن به دام تیپ‌سازی‌های کلیشه‌ای می‌افتاد؛ اما او با درک عمیق از عواطف پاک انسانی، شخصیتی معصوم و دوست‌داشتنی را خلق کرد که تا همیشه بر تارک سینمای ایران می‌درخشد. در «مدرسه پیرمردها»، با ملاحظت و صمیمیتی بی‌نظیر، توانست نقش‌آفرینی ماندگاری در فضایی کمدی و در عین حال عاطفی ارائه دهد. همچنین در «مرد آفتابی» و ده‌ها اثر دیگر، قدرت تصرف در واقعیت نقش‌ها و حسن استفاده از هنر طنز را به منزله پلی برای ورود به زندگی مردم معمولی به نمایش گذاشت. او تکنیک را چنان با فطرت و سادگی درمی‌آمیخت که بیننده هرگز احساس تصنع نمی‌کرد؛ گویی او خود نقش بود و نقش، خود او.

ایمن ملاحظت نقش و دوری از تکلف، در خصلت‌های فردی و اصالت خانوادگی او ریشه داشت. همان‌طور که آیت‌الله سیدحسن عاملی، نماینده ولی‌فقیه در استان اردبیل و امام جمعه



اردبیل، در پیام تسلیت خویش به زیبایی اشاره کرده است: «اکبر عبدی نسخه منحصر به فرد بود و دیگر تکرار نخواهد شد. ملاحظت نقش، جذابیت سلوک، دوری از تکلف و تصنع در نقش‌ها و قدرت تصرف در واقعیت نقش‌ها و حسن استفاده از هنر طنز و پل ساختن آن برای ورود به زندگی انسان‌ها و خلق تبسم در لب‌ها و سرور در دل‌ها و برق در چشم‌ها از ممیزه‌های بزرگ او بود... این عزیز حکایتی از استعداد بزرگ خطه اردبیل و خاک فضیلت‌پرور دیار شاه اسماعیل صفوی است.»

اما در کنار ابعاد فنی و هنری، آنچه اکبر عبدی را به هنرمندی ویژه و محبوب نزد ملت و مسئولان نظام بدل کرد، «منش بی‌ادعا»، «مردمی بودن» و «بصیرت و قدرشناسی» او بود. او هیچ‌گاه دچار غرور کاذب نشد و همیشه خود را مدیون و خادم مردم می‌دانست. همین زلالی و صمیمیت سبب شده بود که او همواره مورد توجه و عنایت ویژه رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی امام‌خانه‌ای قرار گیرد.

برداشت

نقدی بر پویانمایی «شمشیر و اندوه»

ماجرای کارن

بحران هویت بصری!

بزرگ‌ترین ضربه به باورپذیری تاریخی و حس بومی فیلم، در طراحی ظاهر و چهره کاراکترها رخ داده است. طراحی چهره کارن در این پویانمایی شباهت عجیبی به مردم منطقه آمریکای لاتین یا بومیان آفریقایی-اروپایی دارد و در نگاه اول، مخاطب را به یاد برخی از بازیکنان مشهور تیم ملی فوتبال برزیل می‌اندازد! افزون بر این، طراحی چهره‌ها، مدل موها و مدل ریش کاراکترها بیش از حد امروزی، فانتزی و غربی و به اصطلاح «آن‌کادر شده» است؛ به‌طوری که قیافه آدم‌ها در این پویانمایی، هیچ تناسبی با بافت زیستی، اقلیمی و چهرشناسی ایرانیان و اعراب در صدر اسلام ندارد.

پیشرفت فنی در چنبره ضعف‌های کارگردانی

نباید از حق گذشت؛ «شمشیر و اندوه» در مجموع از گرافیک جذاب، رندرینگ باکیفیت، رنگ‌آمیزی چشم‌نواز و نورپردازی‌های نسبتاً استاندارد برخوردار است که نشان از رشد فنی، نبوغ و تلاش شبانه‌روزی جوانان متخصص ما در عرصه پویانمایی سه‌بعدی دارد. تماشای قاب‌های زیبا و فضا‌سازی‌های بصری فیلم، غرورآفرین است و ثابت می‌کند که از نظر سخت‌افزاری چیزی از استودیوهای جهانی کم نداریم.

با این حال، ضعف‌های تکنیکی در بخش کارگردانی و انیمیت (حرکت‌بخشی) کاملاً مشهود و آزاردهنده است. برای نمونه، حرکت دست و بدن کاراکترها موقع سخن گفتن بسیار غلیظ و اغراق‌شده است؛ گویی شخصیت‌ها در حال بیان دیالوگ‌های ساده خود به زبان ناشنویان

یا اجرای پانتومیم هستند! این حرکات اضافی، بی‌مورد و تصنعی، حس رنال و صمیمیت کار را گرفته و تمرکز مخاطب را از پیام دیالوگ‌ها پرت می‌کند.

ضعف دیگر که مستقیماً به جنبه اکشن فیلم ضربه زده، در مهندسی رزمی این اثر نمایان می‌شود. کارگردان در بسیاری از صحنه‌ها از ترسیم چگونگی مهار حملات دشمنان به دست کارن در نبردهای رو در رو عاجز مانده است. در اغلب مواقع، شمشیرزنی به کارن حمله می‌کند، اما بلافاصله تصویر کات می‌خورد و در نمای بعد، دشمن را می‌بینیم که نقش بر زمین شده است! این تبلی در دکوپاژ، فرار از طراحی حرکت نظامی و تکیه بر تدوین‌های تند، پاشنه آشیل صحنه‌های اکشن فیلم است و حس هیجان ناب را از نوجوان تشنه قهرمان‌پردازی سلب می‌کند.

اصلی‌ترین، جدی‌ترین و مبنایی‌ترین نقد متبادر به «شمشیر و اندوه»، استفاده نکردن کافی و هوشمندانه از ظرفیت ذاتی و جادویی پویانمایی است. مزیت مطلق و بی‌نفسه‌انیمیشن بر سینمای زنده (رنال)، عنصر فانتزی، خیال‌پردازی بی‌مرز و ممکن کردن ناممکن‌هاست. انیمیشن، یعنی جان‌بخشی به اشیاء، انسان‌نمایی حیوانات و شکستن مرزهای صلب واقعیت مادی.

برای روایت واقعه عظیمی چون عاشورا و ملحقات تاریخی آن، باید از این ظرفیت خلاقانه و نمادین بهره برد؛ مثلاً این قیام بزرگ از زبان اسب‌های حاضر در کربلا بازگو می‌شود، یا شمشیرها، نخل‌ها و ریگ‌های بیابان راوی اندوه مدینه، کوفه و کربلا می‌شدند تا احساسات پاک کودکانه را با استعاره‌های زیبای هنری درگیر کنند. اما در «شمشیر و اندوه» همه چیز کاملاً در

روایت خود زنده‌یاد اکبر عبدی از تفقد و احوال‌پرسی‌های مهرآمیز رهبر معظم انقلاب، سسند زنده‌ای از این رابطه معنوی و عاطفی است. او با همان بیان صریح و بی‌تکلفش نقل می‌کرد که چگونه در دوره‌های سخت بیماری، رهبر فرزانه انقلاب از طریق دوستان و اطرافیان جویای احوال، وضعیت درمانی و معیشتی او می‌شدند و او را «سر مایه این مملکت» خطاب می‌کردند. عبدی با شگفتی و امتنان از اینکه مسئول عالی‌رتبه کشور با وجود تمام مشغله‌های سنگین ملی و بین‌المللی، جویای احوال یک هنرمند بیمار می‌شود یاد می‌کرد. آیت‌الله عاملی نیز در بخش دیگری از پیام خود با تأکید بر همین ابعاد معرفتی آورده است: «او در زمره شخصیت‌های هنری مورد توجه رهبر شهید بود... ابراز ارادت او به ساحت منبع رهبر شهید نشان از بصیرت بلند و تجلی عشق او به عزت و اقتدار کشور بود.»

ارادت اکبر عبدی به رهبری و نظام انقلابی، نه از روی تظاهر، بلکه نشئت‌گرفته از عشق صادقانه او به وطن، عزت ملی و شهدا بود؛ هنرمندی که خود از خانواده معزز شهدای هشت سال دفاع مقدس به شمار می‌رفت و با خلوص نیت، هنر خویش را در خدمت شادی و اعتلا و آرامش روان جامعه قرار داد.

سینمای ایران با خاطره هنرمندی بدردود گفت که تعریف کمدی فاخر، ملی و دغدغه‌مند را تغییر داد. اکبر عبدی رفت، اما میراث گرانبهای او- از لیخندهایی که بر لب‌های میلیون‌ها ایرانی نشاناند تا نقش‌های بی‌بدیلی که در تاریخ تصویری کشور حک کرد- تا همیشه زنده و الهام‌بخش نسل‌های آینده هنر این مرز و بوم خواهد بود. روحش شاد و یادش گرامی باد.

برداشت

نقدی بر پویانمایی «شمشیر و اندوه»

ماجرای کارن

چارچوب یک فیلم رنال برگزار می‌شود. به بیانی صریح‌تر، فیلم‌نامه و دکوپاژ این اثر هیچ نیازی به ساختار انیمیشن نداشته و سازندگان می‌توانستند همین داستان را بدون کم‌وکاست در قالب یک فیلم سینمایی زنده با بازیگران واقعی و در شهرک‌های سینمایی ترسیم کنند. این امر نشان می‌دهد که سینمای پویانمایی ما هنوز فاقد «تفکر انیمیشنی» است.

دغدغ‌های که محترم است

حمایت از آثار مذهبی و تاریخی در حوزه کودک و نوجوان، یک ضرورت حیاتی برای حفظ اصالت فرهنگی جامعه است. پویانمایی «شمشیر و اندوه» در کنار برخورداری از دغدغه‌ای شریف، محتوایی اصیل، و روکردی خانواده‌محور (در به تصویر کشیدن همراهی همسر و فرزندان کارن در مسیر حق) و سوژه‌ای فراملی در پاسداشت قیام حسینی، اما به دلیل مواردی چون عدم بومی‌گرایی در طراحی بصری، ضعف در کارگردانی صحنه‌های اکشن و مهم‌تر از همه، لکت در به کارگیری زبان فانتزی انیمیشن، نتوانسته است به یک اثر بزرگ، ماندگار و جریان‌ساز تبدیل شود.

با این حال، تماشای این تلاش تکنیکی غنیمت است. این اثر به ما امید می‌دهد که سینمای مقاومت، اندیشه عاشورایی و نسل جوان پویانمای ما در آینده‌ای بسیار نزدیک، راه فرار از فرم‌های عاریه‌ای غربی و رسیدن به گرافیک، فرم و روایت بومی و اصیل ایرانی-اسلامی را پیدا خواهد کرد. تماشای این فیلم در کنار فرزندان، بهانه‌ای خوب برای گفت‌وگو درباره تاریخ، اصالت و عشق به اهل بیت(ع) در کانون گرم خانواده است.

۷

فرهنگ

شماره ۱۲۴۷ | دوشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۵

صداق

یادداشت

فرهنگ کوتاه‌مدت!

گروه فرهنگ

صبح صادق

شبکه نمایش خانگی در سال‌های اخیر از نظر حجم تولید، تنوع آثار و گردش سرمایه، رشدی چشمگیر را تجربه کرده است؛ رشدی که در نگاه نخست می‌تواند نشانه‌ای از پویایی صنعت تصویر در ایران تلقی شود. اما اگر از ویرین پرزرق‌وسرِق پلتفرم‌ها، دکورهای پرهزینه، بازیگران پر مخاطب و تبلیغات گسترده عبور کنیم، با واقعیتی نگران‌کننده روبه‌رو خواهیم شد؛ واقعیتی که از نوعی بحران هویت، افت کیفی و فاصله گرفتن این تولیدات از رسالت فرهنگی و اجتماعی حکایت دارد.

آنچه امروز در بخش قابل توجهی از تولیدات شبکه نمایش خانگی دیده می‌شود، کاهش محسوس کیفیت محتوایی و غلبه نگاه تجاری بر اهداف فرهنگی است. بسیاری از آثار، به جای آنکه در پی ارتقای ذائقه مخاطب، تقویت نهاد خانواده یا بازنمایی مسائل واقعی جامعه باشند، بیش از هر چیز بر جذب مخاطب به هر قیمت و تضمین بازگشت سرمایه تمرکز دارند. نتیجه چنین رویکردی، شکل‌گیری فضایی است که در آن سرگرمی صرف، جای هنر فاخر و اندیشه‌محور را گرفته و مصرف‌گرایی فرهنگی بر تولید آثار ماندگار سایه افکنده است. به همین دلیل است که اغلب تولیدات شبکه نمایش خانگی، حتی اگر پرتماشگر هم بشوند اما یک‌بار مصرف هستند و زود فراموش می‌شوند. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های این وضعیت، فاصله گرفتن از فرهنگ و سبک زندگی بومی است. گویی بخشی از مدیران و سرمایه‌گذاران این حوزه، ارائه تصویری متفاوت از هویت ایرانی را به‌منزله مزیتی برای رقابت در بازار تعریف کرده‌اند. از همین رو، در بسیاری از آثار، مناسبات خانوادگی، ارزش‌های اجتماعی و سبک زندگی ایرانی یا کهرنگ می‌شود یا جای خود را به الگوهای می‌دهد که بیش از آنکه در واقعیت جامعه ریشه داشته باشند، حاصل تقلید سطحی از محصولات خارجی هستند. این روند تنها به تغییر فضای روایت محدود نمی‌شود، بلکه در شیوه شخصیت‌پردازی و ایجاد جذابیت‌های داستانی نیز خود را نشان می‌دهد. هنگامی که نویسنده یا سازنده از خلق موقعیت‌های دراماتیک عمیق، شخصیت‌های چندلایه و تعلیق‌های اصیل ناتوان باشد، ساده‌ترین راه را در نمایش هنجارشکنی، خشونت عریان، مصرف سیگار و الکل یا برجسته‌سازی روابط خارج از چارچوب‌های اخلاقی جست‌وجو می‌کند. این عناصر، اگر چه ممکن است در کوتاه‌مدت کنج‌کاو مخاطب را برانگیزند، اما جایگزین خلاقیت هنری نیستند و در بلندمدت به تضعیف کیفیت آثار و فرسایش سرمایه فرهنگی جامعه منجر خواهند شد. از سوی دیگر، تکرار فرمول‌های مشابه، جنجال‌آفرینی‌های زرد و اتکا به شوک‌های روایی، به الگویی رایج در بخشی از تولیدات تبدیل شده است. در حالی که تجربه کشورهای دارای صنعت پیشرفته سینما و سریال نشان می‌دهد موفقیت اقتصادی، زمانی پایدار خواهد بود که میان منافع مالی و مسئولیت‌های فرهنگی تعادل برقرار شود. بدون تردید، شبکه نمایش خانگی ظرفیت آن را دارد که به بستری برای روایت‌های خلاق، تقویت هویت ملی و بازنمایی هوشمندانه مسائل جامعه تبدیل شود؛ اما تحقق این ظرفیت، مستلزم تغییر اولویت‌هاست.

صداقت

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیرمسئول:یدالله جوانی
سردبیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:
سیامک باقری،سعدالله زارعی،
عزیز غضنفری، مهدی سعیدی،فتح الله پریشان،
علی قاسمی، حسین عبداللہی فر،رضاصارمی راد
دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ:سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن: ۰۱۱۰ و ۰۱۰۰۴۶۰۷۷۴۶ (۰۲۱)
basirat.ir
@sobhesadegh_fa
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۰۲۳۰۳۰۰۹۹۰۰
شماره ۱۲۴۷ | دوشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۵

مکتب

آرامش در تاریکی!؟

سید علی میرهادی

کارشناس مذهبی

سؤال مشترک بسیاری از ما این است که چگونه می‌توانیم در حالی که خودمان را در تاریکی می‌بینیم، از آینده خبر نداریم و نمی‌دانیم چه نتیجه‌ای از کارهای‌مان به دست می‌آوریم، آرامش داشته باشیم؟ این اتفاق یک پیوست دارد و آن، ایمان به خداوند است؛ یعنی سپردن امور به کسی که علمش به غیب و آینده، احاطه کامل دارد و تدبیرش به صلاح بنده است؛ اما پرسش اساسی اینجااست که چگونه می‌توان به دین و دستورات آن چنان اعتماد و تکیه کرد که در سخت‌ترین شرایط، دلی آرام داشت؟ پاسخ این پرسش را باید در ژرفای آیات قرآن و سیره ائمه معصوم(ع) جست‌وجو کرد. آنان که در مسیر الهی گام می‌زنند، با حقیقتی آشنا می‌شوند که هراس از ناشناخته‌ها را از دل‌شان می‌زداید و به‌جای آن، اطمینانی عمیق می‌نشانند. قرآن کریم در آیهای روشن، کلید اصلی آرامش را معرفی می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَقَمُّنَ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَقَمُّنَ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸) این آیه شریفه، بنیانی استوار برای درک آرامش حقیقی فراهم می‌آورد؛ آرامشی که نه با آناشتن ثروت و نه با فرار از مشکلات، بلکه با یاد خدا در دل جای می‌گیرد. ذکری که در این آیه به آن اشاره شده، تنها تکرار الفاظ نیست، بلکه توجه قلبی به عظمت، علم و حضور همیشگی خداوند است. وقتی انسان بداند که خداوند بر همه چیز آگاه و توانست هیچ اتفاقی در پهنه هستی بدون اذن او رخ نمی‌دهد، دلش به این حقیقت مطمئن می‌شود و دیگر نگرانی از آینده او را نمی‌آزارد. در واقع، ریشه بسیاری از اضطراب‌ها، ناتوانی در پذیرش این نکته است که تدبیر امور به دست خدایی حکیم و مهربان است. پیامبر اکرم(ص) در حدیثی گهربار می‌فرمایند: «شگفتا از کار مؤمن که تمام امورش خیر است؛ اگر به او خوشی رسد، شکر می‌کند و برای او خیر است و اگر به او سختی رسد، صبر می‌کند و برای او خیر است.» (نهج‌الفصاحه، ج ۱، ص ۵۶۳) این نگاه، تمام ابعاد زندگی را در بر می‌گیرد و به مؤمن می‌آموزد که نه تنها سختی‌ها، بلکه حتی نعمت‌ها را نیز باید با صبر و شکر پاس داشت. وقتی چنین نگرشی شکل گرفت، دیگر بابت از دست دادن‌ها افسوس می‌خوریم و نه از به دست آوردن‌ها مغرور می‌شویم؛ زیرا می‌دانیم که هر چه خداوند برای ما مقدر کرده، به مصلحت و حکمت اوست.

صبحانه

بزرگ‌ترین ضعف

بزرگ‌ترین ضعف ما در تسلیم شدن است. مطمئن‌ترین راه برای موفقیت این است که فقط یک بار دیگر تلاش کنیم.

منبر

قدرت ایمان هرگز شکست نمی‌خورد

گفتاری از **حجت الاسلام والمسلمین حبیب الله فرحزاد**



پیامبرند ولی خود پیامبر (ص) می‌فرمایند: «حسین متی وأنا من حسین» حسین از من است و من از حسین هستم. علامت قبولی در زیارت امام حسین (ع) در روایت این هست که می‌فرماید: بعد از زیارت اگر زندگی شما فرق کرد، اگر فرقی در وجودت حس کردی و مهربانتر شدی، رنگ خدایی گرفتی و اخلاقت عوض شد این علامت قبولی است.

شخصی به امام صادق (ع) عرض کرد که خدای متعال به من توفیق داد وارد خانه

کعبه شدم چون پیش بینی نمی‌کردم وارد خانه کعبه بشوم نمی‌دانستم اعمال داخل خانه کعبه چیست؟ به ذهنم رسید به‌جای همه اعمال بر محمد و آل محمد صلوات فرستادم. به امام صادق (ع) عرض کرد، آیا ثوابی بردم، بهره‌ای بردم، فضیلتی در نامه اعمالم نوشته شده است؟ امام صادق (ع) این جمله را فرمودند: «شما از خانه کعبه بیرون آمدی در حالی‌که ثواب تو از همه حاجی‌های خانه‌خدا بیشتر بود.»

آیه

عزت مختص بندگان خدا

عزت حقیقی، به تخلق به اخلاق الهی و اطاعت از اوامر او وابسته است؛ زیرا هر عزتی که در خدا ریشه نداشته باشد، در حقیقت ذلت و خواری است.

آفت‌تن‌آسایی و مبارزه با استکبار، از نکات کلیدی در فهم عزت است. آسایش‌طلبی و راحت‌طلبی، مانعی بزرگ بر سر راه درک عزت است و این سخن با نگاه قرآن و اهل بیت(ع) هماهنگی کامل دارد. امام علی(ع) می‌فرمایند: «هرکس آبرویش را بدهد، حقیر می‌شود؛» آسایش‌طلبی، انسان را به‌سمت ذلت و پذیرش خواری سوق می‌دهد؛ زیرا برای حفظ رفاه خود، از اصول و ارزش‌هایش کوتاه می‌آید و در مقابل ظلم و تحقیر دیگران سکوت می‌کند. از سوی دیگر، کسانی که به دنبال تحقیر دیگران برای بالا بردن خود هستند، دقیقاً همان صفتی را دارند که قرآن از آن به «عزت مذموم» یاد می‌کند. این نوع عزت، که در واقع اصرار بر باطل و نفوذناپذیری در برابر حق است، نه تنها عزت نیست، بلکه عین ذلت است. قرآن کریم در نکوهش این روحیه می‌فرماید: «وَإِذْ قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ» (بقره/۲۰۶) یعنی هنگامی که به او گفته می‌شود از خدا بترس، نخوت و تکبر او را به گناه می‌کشاند. چنین کسانی هرگز به عزت حقیقی دست نمی‌یابند؛ چرا که عزت را در غیر خدا جست‌وجو کرده و برای رسیدن به قدرت، از هیچ خباتی دست نمی‌کشند. در مواجهه با انسان‌های متکبر که دنبال گرفتن عزت ما هستند، وظیفه ما روشن است. اسلام به ما می‌آموزد که در برابر متکبران، نه تنها نباید تواضع کرد، بلکه باید با تکبر و صلابت با آنان برخورد کرد.



سیدحسین
خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف

«عزت» آن گوهر گرانبهایی است که نه با تن‌آسایی و رفاه زودگذر، بلکه با تلاش و مجاهده نفس به دست می‌آید و محور اصلی تفکر اسلامی ماست. قرآن کریم و روایات اهل بیت(ع)، این مفهوم را یک خصلت اخلاقی و خط مقدمی برای مبارزه با ظلم و استکبار و تحقق شخصیتی شکست‌ناپذیر معرفی می‌فرمایند که در توحید ریشه دارد. عزت حقیقی، در توحید ریشه دارد و قرآن کریم به صراحت، منشأ و مالک تمام عزت را خداوند متعال معرفی می‌کند. آیاتی همچون «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون/۸) و «فان العزة لله جميعا» (نساء/۱۳۹) به مؤمنان این آگاهی را می‌دهد که عزت واقعی نزد کافران یا در اسباب مادی فانی و ناپایدارشان نبوده و نخواهد بود. این نگاه توحیدی، انسان را از کرنش در برابر قدرت‌های طاغوت و ذلت‌پذیری در مقابل زورگویان بازمی‌دارد و به او می‌آموزد که عزت، یک تکلیف الهی است و مؤمن وظیفه دارد با عمل به دستورات دین، این صفت الهی را در خود نهادینه کند. امام باقر(ع) در این باره می‌فرمایند: «خداوند متعال به مؤمن سه خصلت عطا فرموده است: عزت در دنیا و آخرت، رستگاری در دنیا و آخرت، و ترس و مهابت مؤمن در دل ستمگران.» (الکافی، ج ۸، ص ۲۳۴) این روایت، عزت را نه فقط یک امر فردی، بلکه نیرویی بازدارنده در برابر ظلم و ستم اجتماعی معرفی می‌کند.

صادقانه

دل از دنیا برگزینم

امام علی(ع) می‌فرماید: «پیش از آنکه بدن‌های‌تان از دنیا بروند، دل‌های‌تان را از آن بیرون ببرید؛ زیرا دنیا آزمایشگاه شماس‌ت و برای غیر آن، آفریده شده‌اید.»

(نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۳)

غیر رسمی

وقتم را ضایع نمی‌کردم

کسانی که وقت‌های ضایع شونده‌ای دارند، مثلاً به اتوبوس یا تاکسی سوار می‌شوند، یا سوار وسیله‌نقلیه خودشان هستند و دیگری ماشین را می‌رانند، یا در جاهایی مثل مطب پزشک در حال انتظار به سر می‌برند و به هر حال اوقاتی را در حال انتظار به بیکاری می‌گذرانند، در تمام این ساعات، کتاب‌بخوانند.

کتاب در کیف یا جیب خود داشته باشند و در اتوبوس که نشستند، کتاب را باز کنند و بخوانند. وقتی هم به مقصد رسیدند، نشانه‌ای لای کتاب بگذارند و باز در فرصت یا فرصت‌های بعدی آن را باز کنند و از همانجا بخوانند.

بنده خودم چند جلد قطور از یک عنوان کتاب را در اتوبوس خواندم. البته قضیه مربوط به قبل از انقلاب است که چند روزی برای انجام کاری از مشهد به تهران آمده بودم. بنا به دلالی نمی‌خواهم اسم کتاب را بگویم. وضعیت و فضای اتوبوس‌های آن روزگار برای ما خیلی آزاردهنده بود و نمی‌توانستیم تحمل کنیم. دلم می‌خواست سرم پایین باشد و خواندن کتاب در چنین وضعیتی، بهترین کار بود. ساعتی را که به این حالت می‌گذراندم، احساس نمی‌کردم ضایع می‌شود.

به نقل از رهبر شهید

از کتاب «حضرت یار»

حسن ختام

کوله‌بار عاشقی

باز بوی اربعین در کوچه‌های دل پیچیده است؛ بوی جاده‌هایی که هر قدم‌شان یک سلام است و هر سلام‌شان یک وعده برای رسیدن. انگار تمام راه‌های زمین، آرام‌آرام به یک قرار قدیمی ختم می‌شوند؛ همان قراری که نامش «ظهور» است. مولای غریب... ما هنوز در ایستگاه انتظار ایستاده‌ایم. هر صبح، پنجره دل‌مان را به سمت آفتاب باز می‌کنیم، شاید نسیمی از سمت تو بوزد و خبر آمدنت را بیاورد. هنوز اشک‌های‌مان را نذر قدم‌هایت کرده‌ایم و دل‌های‌مان را موکبی کوچک برای پذیرایی از نام تو ساخته‌ایم. اگر راه کربلا را با شمارش ستون‌ها طی می‌کنیم، راه تو را هم باید با دل‌هایی بشناسیم که از شوق دیدارت شماره می‌شوند. آقا... اربعین فقط پیمودن فاصله نجف تا کربلا نیست؛ اربعین یعنی هر روز، یک قدم به تو نزدیک‌تر. یعنی دل را از غبار دنیا بتکانیم تا اگر صدای «أنا بقية الله» در جهان پیچید، شرمنده سال‌های غفلت نباشیم.

